

# ۸ مارس، روز زن است؛ روز ملامت و دل‌سوزی و امید و آرامش همه‌زنان جهان. همه‌ساله در خیر و عافیت باشید.

زن به معنای عشق و مهر بانی شدید است، نه به معنای نفرت و کینه‌ها. ما به عنوان افراد دین‌دار، مواضعی از بانو فاطمه زهرا و بانو زینب و بانوی دوشیزه مریم (صلوات الله علیهن) و رفتار مهربانانه و بالطف آنان داریم، حتی در عرصه‌های خشونت، سنگ‌دلی، ظلم و اهانت‌های بزرگی که به آنان رسیده است.

تأسف‌بار است که امروزه، زنانی را در صف «راست‌تندرو» می‌بینیم یا یکی از آنان را می‌بینیم که به کشتن اعضای فرقه دینی دیگری فرا می‌خواند یا زنی را در رسانه‌ها می‌بینیم که تمام سخنش، فریاد و صدای بلند و خودنمایی نفرت‌انگیز و زیاده‌گویی با بدترین مردان است.

زن متعادل و با درایت باید مراقب رفتارش باشد و به سمت اشتباه نرود؛ به این دلیل که اگر مهم‌ترین ویژگی‌های زنانگی‌اش، از جمله لطیف‌بودن و مهربانی و دل‌سوزی را از دست بدهد، تنها جسمی برایش می‌ماند که فقط سیستم جنسی زنانه دارد.

بی‌خردانه است که یک زن یا برخی از مردم افتخار می‌کنند زنی شبیه مردان شده است یا رفتارش مشابه مردان است. شبیه شدن زن به مردان، عیب است و نه برعکس آن [که حفظ خوی زنانه باشد].

گزیده‌ای از پیام فیس‌بوک سید احمد الحسن، ۸ مارس ۲۰۲۰.

بانوان تاریخ‌ساز، الگویی برای زنان عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز

اسلام، مدافع زن یا سرکوبگر او؟!

تفسیر صلابت، «زینب»

گذار از چند همسری به تک همسری در پرتوی اسلام

کودکی که مادری را تمرین می‌کند

از زن بودن شرم‌منده نباش



## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# پایه پنجم

## فهرست

اسلام، مدافع زن یا سرکوبگر او؟!..... ۳

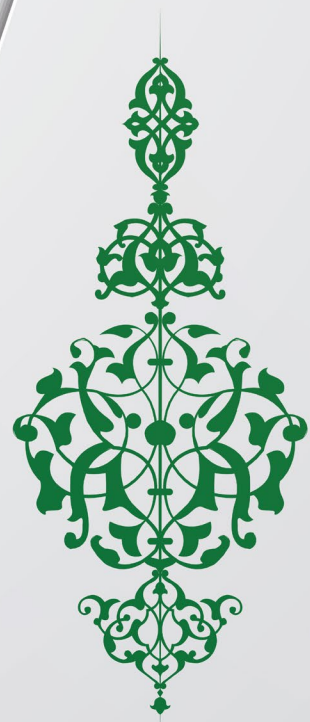
از زن بودن شرمنده نباش..... ۷

بانوان تاریخ ساز، الگویی برای زنان عدالت خواه و ظلم ستیز..... ۱۰

تفسیرِ صلابت، «زینب»..... ۱۸

زنان و مردان متمدن..... ۲۱

کودکی که مادری را تمرین می کند!!..... ۳۳



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۷۳، جمعه ۱۸ اسفند ۱۴۰۲،  
۲۷ شعبان ۱۴۴۵، ۸ مارس ۲۰۲۴  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:  
[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان است.

تألیف  
آیت الله العظمی آقا محمد باقر آل محمدی  
مؤسسه وارثین ملکوت

# اسلام، مدافع زن یا سرکوبگر او؟!

به قلم: عظیمه شمس



## ارزش زن در اسلام

در دوران جاهلیت، قبل از اسلام وجود زن را ننگ می‌دانستند که متأسفانه باعث زنده‌به‌گور شدن دختر توسط خانواده می‌شد. این سنتی در میانشان بود. ظهور اسلام و تعالیم و قوانین آن موجب شد سنت‌های ناپسندی چون زنده‌به‌گور کردن و مبادلهٔ زنان چون کالا از میان برداشته شود و گوهر وجودی زن شناخته شود. سید احمد الحسن می‌گوید: «وقتی محمد رسول الله ﷺ مبعوث شد، در جهانی برانگیخته شد که به عبودیت و سوءاستفادهٔ بدنی و جنسی اقرار داشتند...»

اسلام، بردگی را تشریح و قانون‌گذاری نکرد و به آن، تشویق نکرد؛ بلکه قوانینی قرار داد که در به پایان رساندن و اتمام آن، در آن زمان سهم و نقشی داشت؛ و این نهایت مسئله‌ای است که در آن زمان می‌توانست انجام شود.» [۲]

در واقع با بعثت رسول با تشویق و برپایی شریعت، حرکتی برای مقابله با این تفکر انحرافی

در تاریخ اسلام می‌بینیم برخی از روایات با دین و کلام خداوند متعال در تعارض است. از جمله روایتی منتسب به رسول الله ﷺ که زن را دارای عقل ناقص می‌داند! روایت این چنین است: «گروه زنان، صدقه دهید؛ زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم. یکی از زنان پرسید: ای رسول خدا، چرا بیشتر اهل آتش از ما زنان است؟ فرمود: زیرا زیاد نفرین می‌کنید و از شوهرانتان نافرمانی نموده، ناسپاسی می‌کنید، و هیچ ناقص‌العقل و ناقص‌الدینی را ندیدم که همچون شما، مردان عاقل را فریب دهد.» [۱] ظاهر این روایت که به نقص در دین و عقل زنان اشاره دارد، دستاویزی برای سرزنش و تحقیر زنان توسط مردان شده است، و به مقام انسانی زن جسارت و اهانت می‌شود. اما آیا این ظلم از کسی که بهترین خلق است صادر می‌شود؟ آیا اسلام موافق این تفکر است یا به شدت آن را نهی می‌کند؟ اگر اسلام دین عدالت و برابری است، پس منظور از این روایت چیست؟ **ضروری است درستی و نادرستی این کلام بررسی شود!** زیرا خداوند متعال و دینش در هجوم کوتاه‌فکری برخی قرار گرفته و به زن ستم شده است. در این نوشتار قصد داریم با کلام سید احمد الحسن، این روایت را بررسی کرده و حقوق ضایع شده از زنان را بازستانیم.

در اسلام حقیقی می‌توان بر بسیاری از تفاوت‌های بین زن و مرد توجه کرد، در حالی که این تفاوت‌ها باعث کاستن از ارزش‌های انسانی نیست. بدیهی است تفاوت‌های میان زن و مرد، موجب تمایز آنها از هم می‌شود.

### تفاوت زن و مرد

آنها هر کدام وظیفه‌ای متناسب با شرایط وجودی‌شان دارند، خدای متعال می‌فرماید: **لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** (هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود). [۴]

زن و مرد در نگاه قرآن از بعضی جهات مساوی‌اند و از بعضی جهات با هم تفاوت دارند. برای مثال، قرآن معیار انسان مؤمن را چه زن باشد چه مرد، تقوا می‌داند. در آیه **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** (هر کدام از شما انسان‌ها که با تقواتر باشید در نزد خدا گرامی‌ترید). [۵]

**از نظر قرآن هر کس عمل صالحی انجام دهد چه مرد باشد و چه زن وارد بهشت می‌شود و به حیات طیبه می‌رسد.** گفته نشده به دلیل اینکه مردان، تکامل یافته‌تر یا عاقل‌ترند پس نزد خدا گرامی‌ترند. **از نظر عقلی و تکاملی، در هیچ جای علوم زیست‌شناختی اثبات نشده که زنان عقل ناقص دارند.** شاید گفته شود حجم مغز زنان کوچک‌تر از مردان است، ولی اندازه حجم نابرابر دلیل بر کم‌عقلی و کم‌هوشی آنان نسبت به مردان نیست. «(تره و روینز) استاد عصب‌شناختی دانشگاه کمبریج در این باره گفته است: «اندازه کوچک‌تر می‌تواند نشان‌دهنده فشردگی شدید سلول‌های عصبی یا سیگنال‌دهی فعال بیشتر بین آنها باشد. این امر یعنی این سلول‌ها اثربخش‌تر کار می‌کنند.»

به گفته وی این تحقیقات حاکی از آن است که در زنان هرچه اندازه هیپوکامپ کوچک‌تر باشد، عملکرد مغزی بهتر است و اندازه یک ساختار لزوماً به معنای چگونگی عملکرد آن نیست. [۶]

چه بسا در طول تاریخ می‌بینیم زنانی وجود دارند که از مردان باهوش‌ترند و شاهد موفقیت‌های زنان در علوم روز هستیم.

**اسلام برای زن همه زنان تکلیف دارد؛** اما آن که عفت نگه دارد و خود را به نگاه‌های فاسد نسپارد و با عمل بر تکالیفش، جایگاهی والاتر نزد خدای متعال می‌یابد.

انجام شد. آزادی‌ای که در این زمان برای مقابله با این تفکر وجود دارد در آن تاریخ امکان‌ناپذیر بود. **با اندکی مطالعه روشن می‌شود** اسلام واقعی به زن احترام می‌گذارد نه اینکه از قدر و ارزشش بکاهد. تلاش اسلام بر این بوده که زن را همچون مروارید در صدف از دست‌درازی فاسدان حفظ کند. قطعاً برخی روایات که به اهل بیت (علیهم‌السلام) نسبت داده می‌شود تا از منزلت زن بکاهد، از ایشان صادر نگردیده است و باید در مقابل این انحراف محکم ایستاد. یقیناً این‌گونه دفاع از پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)، با آگاهی ما از دین حقیقی صورت می‌گیرد. در غیر این صورت، جاهلان و مخالفان اسلام هر عمل ناروا را به زن نسبت می‌دهند و آن را از ناحیه دین می‌دانند؛ بدون توجه به اینکه خود بازماندگان دوران جاهلیت‌اند.

زن در نگاه آنها این‌گونه است که سید احمد الحسن بیان می‌کند: «... ارزش‌گذاری بسیاری از مردان درباره زن یا به‌طور کلی سخنانشان درباره زن، هیچ ارزش حقیقی ندارد؛ بلکه صرفاً از افکار جنسی که عقلشان را پر کرده و سرشان از [این افکار] لبریز شده. پرده برمی‌دارد و نه بیش از آن؛ بنابراین بسیاری از مردان، تفاوتی ندارد دین‌دار باشند یا بی‌دین، زن را به‌عنوان یک بازیچه جنسی در ذهن خود ترسیم می‌کنند که بسته به شرایط هر یک از آنها، باید از آن استفاده یا نگهداری شود...؛ پس می‌بینید این برادران در وسواس تفکرات جنسی [اسیر] هستند؛ مثلاً اگر متدین باشند قضیه زینب را فقط در حجاب خلاصه می‌کنند، و اگر هم غیرمتدین یا خداناباور مبتذل یا تجار منفعت‌طلب باشند، همه هدفشان این است که زن، مبتذل یا برهنه در هر مکان و زمانی ظاهر شود... این‌ها نمی‌توانند به این دیدگاه یا فکر کنند که زن، انسان تکامل‌یافته مستقلاً است که گاهی اوقات از مردان تواناتر است؛ بلکه حتی مردان عاجزند از اینکه جایگاه زن را پر کنند یا آنچه [او] توانش را دارد، انجام دهند.» [۳]

آنها وجود دارد؛ از جمله نمونه‌ها هوشمندی و درایت حضرت خدیجه (س) که با وصلت با پیامبر (ص) ستونی استوار برای برپایی و گسترش اسلام شد. همین شاهی بر درستی این گفتار است.

### معنا و مفهوم زن

#### اما زن کیست و چگونه معنا می‌شود؟

زیبایی این بحث را در کلام سید احمد الحسن و در توصیف مفهوم زن بودن دنبال می‌کنیم. ایشان می‌گوید: «**مهم‌ترین مسئله‌ای که زن را متمایز می‌کند، زن بودنش است.** زن یعنی مهربانی، دلسوزی، هم‌دردی، لطیف بودن و انصاف داشتن به ستمدیدگان، زن یعنی راه‌حل‌های با ملایمت، دلسوزانه و عادلانه، زن به معنای عشق و مهربانی شدید است نه به معنای زشتی و کینه‌ها و به‌طور خلاصه، زن طرف دیگری در برابر مرد است. جنبه لطیف بدون خشونت، در برابر جنبه خشونت و تعصب مرد و رفتار درشت‌خشن، در بیشتر اوقات.» [۱۱]

زن می‌تواند لطیف و مهربان باشد و صفات خدایی داشته باشد و مصداقی برای این آیه باشد: **(و نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُوْحِي)** (از روح خود در آن دمیدم). [۱۲]

زن می‌تواند پاکی فطرت و کرامت خود را حفظ کند و همانند بهترین زنان شود یا از آن روح خدایی و لطیف فاصله بگیرد و دستاویزی برای دیگران شود. قطعاً زنی شایسته است که ارزش خود را حفظ کند، همان‌گونه که خدا و اهل بیت علیهم‌السلام وصف کرده‌اند.

یک زن می‌تواند از زنان صالحی چون فاطمه، زینب، مریم، خدیجه علیها‌السلام و آسیه همسر فرعون الگو بگیرد. در شجاعت و شهامت چون زینب دختر علی علیه‌السلام باشد که سببی در استمرار امامت و خلافت الهی شد، با اینکه همه خانواده خود را از دست داده بود اما شکسته نشد. از زندگی حجت زمانش، امام سجاد علیه‌السلام محافظت کرد.

«و هر زنی برایش امکان‌پذیر است در هر زمان و مکان، از آنچه زینب علیها‌السلام انجام داد عبرت و الهام بگیرد... و برای هر زنی واجب است بداند ارزش‌گذاری بسیاری از مردان درباره زن یا به‌طور کلی سخنانشان درباره زن، هیچ ارزش حقیقی در خود ندارد؛ بلکه صرفاً از افکار جنسی که عقلمان را پر کرده و سرشان از [این افکار] لبریز شده. پرده

سید احمد الحسن می‌گوید:

«زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد و به آنچه مورد رضای خداوند سبحان است عمل می‌کند. دقیقاً مانند مرد مؤمن، مگر در برخی تفصیل و خصوصیات. زن مؤمن مکلف است که نسبت به دین خود معرفت یابد و در حد وسعش، حق را به مردم بشناساند و ابلاغ کند؛ **(لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ)** [۷] (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هرکس عمل شایسته‌ای انجام داده، به سود اوست، و هرکس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست).» [۸]

وظایفشان برتری‌شان در تقوا را عیان می‌کند، نه مرد یا زن بودنشان. گاهی زن می‌تواند در تقرب به خداوند و برخی مسائل از مرد سبقت بگیرد. تکلیف زن، مقابل جامعه فقط این نیست که در خانه خویش بنشیند؛ همان‌گونه که سید احمد الحسن می‌گوید: «قطعاً زن نقش بزرگی دارد؛ حتی مرد نمی‌تواند نقش زن را انجام دهد، به این خاطر که ویژگی‌هایی دارد که مرد، آن را ندارد. گاهی اوقات، تأثیر اجتماعی زن، بسیار بالاتر از مرد است...» [۹]

این حقیقتی انکارناپذیر است که برخی می‌خواهند راه را برای مفساد خود هموار کنند. همچنین ایشان - سید احمد الحسن - راجع به نقش زن در دولت عدل الهی فرمودند: **«اسلام هیچ محدودیتی برای به عهده گرفتن مناصب رهبری توسط زن وضع نکرده است... اگر خدا بخواهد و حکومت الهی در یک زمانی برپا شود زن می‌تواند در بسیاری از جایگاه‌ها در دولت الهی نقش داشته باشد. شایستگی زن در بسیاری از جایگاه‌ها و کارها کمتر از مرد نیست و حتی در برخی از کارها زن، بسیار بهتر از مرد است. اسلام قیدی برای متولی شدن زن قرار نمی‌دهد؛ حتی در مناصبی که جامعه را رهبری می‌کند. اگر شایستگی این کار را داشته باشد و کار را به شکل تمام و درست به انجام برساند.»** [۱۰]

اسلام حقیقی زن را ضعیف و ناتوان نمی‌داند؛ حتی اظهار دارد امروزه در بسیاری از مناسبت‌ها می‌تواند بهتر از مرد عمل کند و به جایگاه‌های رفیعی همچون رهبری در جامعه دست یابد. همچنین می‌تواند مسئولیت‌های بزرگی را متحمل شود که در اسلام نمونه‌های زیادی از

**منابع:**

۱. اشاره به روایتی در صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۱، ص ۶۱.  
 ۲. سید احمدالحسن، صفحه فیس بوک، ۲۲ آگوست ۲۰۱۷ م:



۳. سید احمدالحسن، پیام صفحه فیس بوک، ۲۹ اوت ۲۰۲۰ م.



۴. بقره، ۲۳۳.  
 ۵. حجرات، ۱۳.  
 ۶. نتایج این تحقیقات در نشریه Intelligence منتشر شده است



۷. بقره، ۲۸۶.  
 ۸. سید احمدالحسن، در محضر عبد صالح، ج ۲.  
 ۹. پیک صفحه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ زن در اسلام، تهیه و تنظیم: انصار امام مهدی (علیه السلام)، ص ۱۲۵.  
 ۱۰. سید احمدالحسن، پاسخ های روشنگرانه، ج ۴، ص ۳۶.  
 ۱۱. سید احمدالحسن، صفحه فیس بوک، ۳ ارجب ۱۴۴۱ (۸ مارس ۲۰۲۰ م).  
 ۱۲. حجر، ۲۹.  
 ۱۳. سید احمدالحسن، پیام صفحه فیس بوک، ۲۹ اوت ۲۰۲۰ م:  
<https://b2n.ir/699253>  
 ۱۴. میرجهانی، جنة العاصمة، ۳۸۴ اش، ص ۲۸۳ و ۲۸۴.  
 ۱۵. شاه نعمت الله ولی، قطعه شماره ۱۰۷.  
 ۱۶. زن در اسلام، تهیه و تنظیم: انصار امام مهدی (علیه السلام)، ص ۴۶.

برمی دارد و نه بیش از آن.» [۱۳]  
 زن کامل همچون حضرت فاطمه (علیها السلام) که سرور زنان جهانیان است، و برای خداوند متعال بهانه خلقت است؛ همان گونه که در حدیث قدسی بیان شده است: «ای احمد، اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم.» [۱۴]

این ها از محالات یا افسانه نیست، بلکه واقعیت هایی هستند که برخی چشم دیدن آن را ندارند. در مسیر خداوند حرکت کردن این ارزش را به هر انسانی می دهد. مذکر و مؤنث بودن ندارد و ارتقا در روح است نه در جسم. پادشاهی از آن کسی است که با خدا و اولیای او همراه باشد. «چو پادشاه در عالم گدای حضرت اوست

گدای حضرت او باش و پادشاهی کن» [۱۵]  
 از کمالات زنانی چون زینب (علیها السلام) و فاطمه (علیها السلام) سخن گفتیم تا بیان کنیم نه تنها زن، ناقص العقل نیست که می تواند بهانه خلقت باشد؛ می تواند در شجاعت و سخنوری و معرفت گوی سبقت از مردان زمانه اش برآید. در رد این روایت (عقل زنان ناقص است) همین اشارت بس که سید احمدالحسن می گوید: «این روایت را مخالفان آل محمد (علیهم السلام) روایت کرده اند و صحیح نیست.» [۱۶]

**کلام آخر**

در این مقاله دانستیم زن همچون مرد، انسان تکامل یافته ای است. آنچه در قالب کلام اهل بیت (علیهم السلام) به زنان نسبت می دهند، صحیح نیست. اگر خداوند بر مرد و زن تکالیفی قرار داده، برای ارتباط و نزدیک شدن به اوست، و آن مسیر حرکت به سمت نور (خداوند متعال) است. انجام تکالیف و پرهیزگاری شان، بیان کننده برتری آنهاست، نه قدرت بدنی یا تفاوت ظاهری آنان. عدالت و رحمت حق، نسبت به بندگانش یکسان است و هیچ بنده ای از جانب او مورد ظلم قرار نمی گیرد.

جانشین او، پیاده کننده عدالت اوست و امروز سید احمدالحسن، فرستاده و جانشین الهی است و بیان می دارد زن می تواند در دولت عدل الهی مناصبی همچون مردان داشته باشد.

# از زن بودن شرمنده نباش

**بررسی روایت‌های:  
«عقل و دین زنان ناقص است»؛ «با  
زنان مشورت کنید و خلافش عمل کنید»**

نوردخت مهدوی

این‌گونه ارتشش را به‌سوی اعتقادات بشر نگسترانده بود؛ اکثر قریب به اتفاق، اهل بیت علیهم‌السلام را دوست داشته و برایشان احترام قائل بودند. حس عجیبی

بود. هیچ‌کس پاسخی نداشت. هیچ‌کس حتی نگفت علی علیه‌السلام و این‌گونه حرف‌ها! محال است... حتی من؛ منی که علی علیه‌السلام را عاشقانه دوست می‌داشتم دفاعی نکردم. بیست سالم بود و از دین چیز زیادی نمی‌دانستم، جز حب اهل بیت عصمت و طهارت.

این سؤال و خاطره آن روز کلاس درس، سال‌ها روح مرا می‌خراشید؛ نه می‌توانستم از علی علیه‌السلام دست بکشم، نه می‌توانستم این قبیل سخنان را بپذیرم. یعنی چه عقل زنان ناقص است؟! مصیبت‌بار اینکه برخی از زنان نیز به پذیرش این مسئله رسیده و یکدیگر را با همین سخنان،

## مقدمه

سال دوم دانشگاه بودم؛ استادی معمم داشتیم که کتاب «اخلاق» درس می‌داد. در یکی از جلسات که بحث

درباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود، دختر دانشجویی که در صندلی سمت چپ من نشسته بود گفت: «استاد، من حضرت علی علیه‌السلام را خیلی دوست داشتم، اما بعد از اینکه متوجه شدم او گفته است «عقل زنان ناقص است»، دیگر محبت‌م به ایشان مثل قبل نیست و دیدگاهم تغییر کرده.» سختش بود که این جملات را بازگو کند. دختر بیچاره گمان می‌کرد چون استاد طلبه است، حتماً مثل همیشه جواب در آستین دارد و او را از این حس ناخوشایند می‌رهاند؛ اما استاد معمم و کلاس، همه در سکوت فرورفته و از اینکه پاسخی نداشتند، معذب بودند. آن زمان هنوز ابلیس



## «نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شاه ملک لافتی را» [۴]

علی علیه السلام رکنی است از ارکان هدایت؛ رکنی که با شهادتش جبرائیل علیه السلام ندا سر داد: «(تهدمت واللّه ارکان الهدی)» «به خدا سوگند، ارکان هدایت ویران شد.» [۵]

علی علیه السلام، دروازه شهر علم است؛ همان‌گونه که محمد (ص) فرمود:

«من شهر علم هستم و علی باب آن.» و او تنها کسی است که محمد صلی الله علیه و آله را در مقام «قاب قوسین او ادنی» می‌شناسد. [۶] «علی علیه السلام سرگشته و مجنون به ذات الله است.» [۷]

با این توصیف‌ها و همه آنچه در خصوص امیرالمؤمنین در کلام نمی‌گنجد، آیا علی علیه السلام می‌تواند چنین بگوید: «عقل و دین زنان ناقص است!»

## خلقت یک زن مبنای آفرینش افلاک

دکتر شیخ ناظم عقیلی یکی از مسئولان دفتر رسمی سید احمدالحسن در نجف اشرف می‌گوید: «خطابی منصفانه به کسانی که می‌گویند در اسلام زن در حاشیه است: این در اسلام است که جهان به خاطر یک زن خلق شده است (ای احمد، اگر نبودی افلاک را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را خلق نمی‌کردم.» و نتیجه آنکه اگر فاطمه زهرا علیها السلام نبود خداوند افلاک را خلق نمی‌کرد.» [۸]

فاطمه علیها السلام نیز رکنی است از ارکان هدایت؛ [۹] تجلی «رحیم» در خلق است؛ [۱۰] «ام‌اینها» ست؛ حجت خدا بر اهل بیت علیهم السلام است؛ [۱۱] «الف» در «الم» سوره بقره» است. [۱۲] ... و فاطمه علیها السلام زن است. در کنار فاطمه (س) دخترش زینب علیها السلام نیز جایگاه رفیعی در اسلام دارد؛ تاجایی که امام سجاد علیه السلام درباره‌اش فرمود: «یا عمه انت بحمد الله عاومه غیر معلمه، و فهمة غیر مفهومة» «عمه جان! تو به حمد الهی عاومه‌ای هستی که نزد کسی تعلیم ندیده‌ای و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی.» سید احمدالحسن نیز زینب علیها السلام را عاملی برای تداوم امامت و خلافت الهی می‌داند. [۱۳] پس چطور ممکن است در دینی که این‌گونه زن را می‌ستاید، گفته شود: «عقل زنان ناقص است»

سرکوب و تحقیر می‌کردند. **تلخ، اما واقعی!** شاید شما بانوان هم از عمق جانتان کلامم را درک کنید؛ اینکه سال‌ها، بلکه قرن‌ها با جملاتی ناخوشایند روح‌ت را بیازارند؛ جملاتی از این قبیل: عقل تو که ناقص است، دینت هم که ناقص! تو چه می‌فهمی با آن عقل ناقص؟ چه کسی از تو نظر خواست! گفته‌اند با زنان مشورت کنید و مخالفش عمل کنید!

آیا در حقیقت در دینی که ناجی دختران از پدیده شوم زنده‌به‌گوری شد و رسولش زن را تکریم کرد و جایگاه از دست‌رفته‌اش را با تدوین قوانینی، با عزت به او بازگرداند، دینی که فاطمه علیها السلام در آن سرور زنان جهانیان است و زینب علیها السلام عالمه تعلیم‌ندیده، چنین کلماتی از جانب سخن‌گوی آن دین (علی بن ابی‌طالب علیه السلام) صادر می‌شود؟ ظاهراً ما علی علیه السلام را نشناخته‌ایم.

علی علیه السلام کیست؟

از علی علیه السلام چه می‌توانم بگویم؟!

برای علی علیه السلام همین بس که نبی محمد صلی الله علیه و آله او را این‌گونه توصیف می‌کند:

«يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا آتِيًا وَأَنْتَ وَلَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ وَلَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا» «ای علی! هیچ‌کس خدا را نشناخت جز من و تو، و هیچ‌کس من را نشناخت جز خدا و تو و هیچ‌کس تو را نشناخت جز خدا و من.» [۱]

## «دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین»

به علی شناختم من به خدا قسم خدارا» [۲]

همچنین می‌فرماید:

«يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَأَبُو وُلْدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسَمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَآمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ» «ای علی، تو جانشین من، پدر فرزندانم، همسر دخترم و جانشین من بر امتم در حیات و پس از مرگ هستی؛ امر و نهی تو امر و نهی من است. قسم به آن که مرا به نبوت برانگیخت و مرا برترین مخلوقات قرار داد، تو حجت خدا بر مخلوقاتش و امین او بر اسرارش و خلیفه او در بین بندگانش هستی.» [۳]

### سخن پایانی

در دینی که معتقد است بنای آفرینش افلاک بر خلقت یک زن (فاطمه علیها السلام) پایه گذاری شده است و رسولش نجات بخش زن در جزیره العرب بوده، چنین سخنانی جایگاهی ندارد؛ زیرا سخنانی که خلاف قرآن و اخلاق قرآن باشد قطعاً از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صادر نشده است.

به امید اینکه این نوشتار برسد به دست دختر دانشجویی که در کلاس درس «اخلاق» در صندلی سمت چپ من نشسته بود و علی علیه السلام را دوست می داشت.

بازیگران صحنه محمد و آل محمد علیهم السلام باشیم، نه مخالفان ایشان.

### منابع:

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۲۵؛ تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، صفحه ۱۴۵.
۲. دیوان اشعار، شهریار.
۳. شیخ صدوق، أمالی، ص ۹۶، ج ۴.
۴. دیوان اشعار، استاد شهریار.
۵. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۹.
۶. ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۵۵؛ متشابهات ج ۱، سؤال ۲.
۷. ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۱۰.
۸. دکتر شیخ ناظم عقلی، صفحه فیس بوک، ۳ فوریه ۲۰۲۱ م.
۹. ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۹.
۱۰. ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۸.
۱۱. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «ما حجت های خداوند بر خلق هستیم و فاطمه حجت خدا بر ما.» (اسرار فاطمیه، شیخ محمد فاضل مسعودی، ص ۶۹، روایت شده از تفسیر «اطیب البیان»).
۱۲. سید احمد الحسن در کتاب متشابهات، جلد اول، سؤال ۸ می نویسد: در سوره بقره «الم»، م: محمد، ل: علی و الف: فاطمه است.
۱۳. سید احمد الحسن، صفحه فیس بوک، ۲۹ آگوست ۲۰۲۰:



۱۴. زن در اسلام، ص ۴۶؛ وب سایت رسمی منتدیات أنصار الإمام المهدي علیه السلام؛ ۲/۰۹/۲۰۱۵.



۱۵. سید احمد الحسن، پاسخ های روشن گرانه، ج ۶.

و نه تنها عقلشان که در دینشان هم نقص وجود دارد؟ یا اینکه با زنان مشورت کنید و خلافتش عمل کنید!

### سید احمد الحسن پرده از حقیقت برمی دارد

گویا باز هم بازیگران بنی امیه صحنه گردان این ماجرایند! سیرک خیمه شب بازی معاویه و عمرو عاص ها، بهانه به دست مردان سلطه جویی داد که به مانند خودشان، زن را همچون بازیچه ای برای هوس رانی و خوش گذرانی به تماشا بنشینند؛ و آنچه از اذهان آلوده پرنیزنگشان برمی خیزد، به علی علیه السلام نسبت بدهند؛ اما باز هم در بزنگاهی خطیر سید احمد الحسن راز این ماجرا را برملا می کند.

زنان خوب سرزمینم، بدانید و آگاه باشید: آنچه تا به امروز در خصوص «روایت عقل زنان» به نام علی علیه السلام در گوش های ما فریاد کردند هرگز کلام علی علیه السلام نبوده است؛ همان گونه که سید احمد الحسن می گوید: «این کلام را مخالفان آل محمد علیهم السلام روایت کرده اند و صحیح نیست.» [۱۴]

در جای دیگری بانویی از سید احمد الحسن پرسید: «کدام مشورت است که مردها باید با آن مخالفت کنند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می آید و زن ها با مردها درباره اش صحبت می کنند و نظرشان را بیان می کنند، آقایان می گویند: «شاووهن و خالفوهن» «بازنان مشورت کنید و مخالف آن عمل کنید.» این باعث حیرت و دل شکستگی می شود؛ زیرا آن ها با اهل بیت علیهم السلام با ما احتجاج می کنند.» و ایشان در پاسخ نوشت:

«این از سفاهت است که بگوییم با کسی مشورت کن، و برخلافش عمل کن! حتی این کار مصداق بی ادبی است! این گونه نیست که هر آنچه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آن ها اشتباه کرده و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت به آن ها، به ایشان نسبت دروغ داده اند. هر چه دیدید که با قرآن و اخلاق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت علیهم السلام صادر نشده؛ بلکه یا نقل اشتباه بوده یا تحریف شده یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران نسبت داده شده است.» [۱۵]

آری، این احمد الحسن است که تمام قد از علی و اولاد او علیهم السلام دفاع می کند؛ زیرا مردی است از تبار علی علیه السلام.

# بانوان تاریخ ساز، الگویی برای زنان عدالت خواهه و ظلم ستیز

به قلم: ستاره شرقی

## مقدمه

با توجه به اینکه در اسلام به نقش زن و اهمیت جایگاه زن سفارش شده [۱] متأسفانه شاهد برخوردهای ناشایستی با زنان در محیط خانواده و جامعه هستیم و آن هم گاهی به دلیل روایات تحریف شده‌ای است که صحت و سقم آن را جز معصوم فرد دیگری نمی‌داند.

روایاتی که گاهی زندگی افراد بر اثر آن به بدترین شیوه ممکن اداره می‌شود یا از هم پاشیده می‌شود؛ زیرا در آن زندگی، صحبت زوجین اثر مطلوب بر یکدیگر ندارد و هرکس درصدد غلبه بر فرد مقابل است. این شیوه برخورد، همان جهل است از جانب ابلیس که جنودش را همواره بر انسان‌ها مسلط گماشته و با کمترین ناخودآگاهی دچار غفلتشان کرده و سبب می‌شود زوجین زندگی را به کام یکدیگر تلخ کنند.

روایاتی از جمله:

«عقل و دین زنان ناقص است...» [۲]

«با آنها مشورت کنید و مخالف آن عمل کنید...»

[۳]

«همه زن شر است...» [۴]

«صدای زن عورت (مایه شرمساری) است...» [۵]

این روایات سبب شده تا مردان سلطه‌گرا نگاه تحقیرآمیزی به زنان و توانایی‌هایشان داشته باشند و در پاره‌ای از مسائل چه بسا، بسیاری از مسائل آنها را دست‌کم گرفته و توجهی به آنها نشود.

یمانی آل محمد علیهم‌السلام، سید احمدالحسن در پاسخ به روایت دین و عقل زن ناقص است چنین بیان داشتند: «این روایات را مخالفان آل محمد علیهم‌السلام روایت کرده‌اند و صحیح نیست.» [۶]

ایشان در ادامه، روایت همه زن شر است را چنین پاسخ می‌دهند: «صحیح نیست.» [۷]

همچنین در خصوص مشورت با زنان و عمل برخلاف آن چنین بیان داشته‌اند: «این از سفاهت است که بگوییم با کسی مشورت و برخلافش عمل کن! حتی این کار مصداق بی‌ادبی است! این‌گونه نیست که هرآنچه از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آنها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت به آنها، به ایشان نسبت دروغ داده‌اند. هرچه دیدید که با قرآن و اخلاق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه بوده یا تحریف شده یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران نسبت داده شده است.» [۸]

سید احمدالحسن در روایت (صدای زن مایه شرمساری است) آیاتی از قرآن کریم را می‌آورد که تنها به معنای آن بسنده می‌کنیم:

«خداوند در آیه ۳۲ سوره احزاب چنین می‌فرماید: (ای زنان پیامبر، شما مانند دیگر زنان نیستید؛ اگر از خدا می‌ترسید پس به نرمی سخن مگویید تا مبادا آن مردی که در قلبش مرضی هست به طمع افتد؛ و سخن پسندیده بگویید.»

همچنین در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: (و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت‌پرده بخواهید. این کار هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنها پاکیزه‌تر است. شما را نرسد که پیامبر خدا را بیازارید و نه اینکه زن‌هایشان را بعد از وی هرگز به زنی گیرید. این کارها نزد خدا

گناهی بزرگ است).

و نیز خطاب به مریم علیها‌السلام در آیه ۲۶ سوره مریم می‌فرماید: (پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسی را دیدی بگو برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی‌گویم).

این آیات به وضوح جایز بودن سخن گفتن زن با مرد را نشان می‌دهد. آیه آخر دلالت روشنی دارد بر اینکه مریم با آنها سخن می‌گفت و در گفت‌وگوی او با آنها مانعی نبوده، اما وی فقط در آن هنگام از سخن گفتن با آنها امتناع ورزیده بود، زیرا او روزه نذر کرده بود؛ بنابراین فقط در آن هنگام با کسی از آنها سخن نگفت، همان‌طور که آیه نشان می‌دهد. در ضمن اگر شما سیره زهرا علیها‌السلام و زینب علیها‌السلام را مطالعه کنید، درمی‌یابید آنها سخن گفته‌اند و از حق جانشینان خدا بر زمینش دفاع کرده و با طاغوتیان و هواداران آنها رویارو شده‌اند...» [۹]

در این مجال مختصر سعی بر آن است که طبق دیدگاه اسلام حقیقی به جایگاه زن نگاهی بیندازیم، تا روایات جعلی و رفتارهای ناشایستی را که در پی آن خرافه‌گویی‌ها، دامن‌گیر زنان شده بر ملا کنیم. اسلام آن‌گونه که تحریف شده نیست، بلکه اسلام حقیقی زنان را دوشادوش مردان قلمداد کرده و به هر اندازه که مردان در ایمان و عمل صالح می‌توانند ارتقا یابند، زنان نیز این توانایی را دارند و می‌توانند به مقامات عالی کمال، دفاع از حق، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی دست یابند. با توجه به آیات قرآنی و روایات، کم نیستند زنان ظلم‌ستیز و عدالت‌خواهی که نامشان بر قله رفیع تاریخ حک شده و نمونه‌های کاملی از بانوان تاثیرگذار به شمار می‌آیند. بانوانی که در مسیر یاری حق و خلفای برگزیده زمان تا پای جان ایستادگی کردند.

### زنان مؤمن و همسران دیوصفت

در طول تاریخ کم نبوده‌اند زنانی که بر بدرفتاری‌ها و خشونت‌های همسرانشان با اخلاق نیکو و کریمانه، صبر و بردباری پیشه نکرده باشند. مردان غیرمؤمن و کافری که به خاطر ایمان زنانشان به آزار و اذیت و حتی شکنجه آنان اقدام کرده و آنها را از همراهی و یاری دادن حجت‌های

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **(وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبَهُ وَ كَانَتْ مِنَ الْغَنِيِّنَ)** (و نیز مریم دختر عمران را مثل زده است) که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان فرمان‌های خدا بود). [۱۴]

از دیگر زنان مطیع فرمان الهی می‌توان به مادر حضرت موسی علیه السلام اشاره نمود که خداوند او را خطاب قرار داده، می‌فرماید: **(وَ اَوْحَيْنَا اِلَىٰ اُمِّ مُوسَىٰ اَنْ اَرْضِعِيهِ...)** (ما به مادر موسی الرهام کردیم که او را شیر بده...). [۱۵]

### جهاد زنان با اموال

بخشش مال در راه خدا و یاری دادن حجت‌های الهی با بخشودگی اموال، یکی از مواردی است که در پیشبرد دعوت الهی نقش بسزایی دارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: **(لَا يَسْتَنْدِزُكَ الَّذِيْنَ يَوْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اَنْ يُجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِالْمُتَّقِيْنَ)** (آنان گه به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو برای باز ایستادن از جهاد با اموال و جان‌هایشان اجازه نمی‌خواهند؛ بلکه در هر شرایطی مشتاقانه به سوی میدان نبرد بیرون می‌روند و خدا به پروا پیشگان داناست). [۱۶]

نمونه‌ای از زنان جهادگر و یاری‌رسان دعوت‌های الهی با بخشودگی تمام اموال و دارایی‌شان، نامشان را در دفتر تاریخ اسلام به ثبت رساندند. در میان زنانی که نامشان در قرآن ذکر شده، می‌توان به بلقیس ملکه سرزمین سبا اشاره کرد که بعد از ایمان به حق، تمام دارایی و تاج و تختش را با میل و رغبت در اختیار سلیمان قرار داد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: **(... قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْأَلُكَ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ)** (بلقیس گفت: پروردگارا من به خودم ظلم نمودم و اینک خود را برای پروردگار جهانیان تسلیم سلیمان می‌کنم). [۱۷]

چنان‌که ملکه بلقیس اموال و دارایی‌اش را در اختیار سلیمان قرار داد؛ خدیجه دختر خویلد همسر گرامی رسول مکرّم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله،

الهی منع کرده‌اند.

نمونه این همسران را در زمان کنونی بسیار شاهد بوده‌ایم؛ از جمله زنی مؤمن به دعوت یمانی آل محمد صلی الله علیه و آله که همسر غیرمؤمنی داشت و از ترس او ایمان خود را در مقابلش پنهان می‌کرد؛ چون او بسیار وحشیانه با او رفتار می‌کرد. روزی شوهرش به طرز ناپسند و نکوهیده‌ای او را کتک زده بود و او بر اثر این برخورد وحشیانه، با قلبی شکسته برای مولایش سید احمد الحسن نامه‌ای می‌نویسد و از ایشان چاره‌جویی می‌کند. [۱۰]

همچنین در این خصوص می‌توان به آسیه همسر فرعون زنی عدالت‌خواه و حق‌جو اشاره کرد. زنی عفیف و پاک‌دامن که موسی علیه السلام را به فرزندخواندگی پذیرفت. او یکتاپرست بود و ایمان خویش را از فرعون مخفی می‌داشت. از چگونگی برخورد فرعون با همسر پاک‌دامنش آسیه علیه السلام این‌گونه در روایات آمده است:

«هنگامی که فرعون از ایمان او آگاه شد، از او خواست تا از پرستش خدا دست بردارد اما آسیه نپذیرفت و فرعون دستور داد دست و پای او را به میخ‌های اوتاد بسته، بدنش را در آفتاب قرار داده و سنگ بزرگی بر سر او فرود آورند که در اثر همین شکنجه‌ها کشته شد.» [۱۱]

خداوند در قرآن می‌فرماید: **(وَ صَرَبَ اللّٰهُ مُتَلَاً لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِمْرَاَتِ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ اِبْنِ لِيْ عِنْدَكَ نِيْتًا فِى الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهٖ وَ نَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ)** (خداوند مثلی برای مؤمنان ذکر کرده، همسر فرعون را، در آن زمان که به پیشگاه خدا عرضه داشت: پروردگار من! خانه‌ای برایم در جوار قربت در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارهایش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده). [۱۲]

### برگزیدگان مطیع

از نمونه زنان پاک‌دامن و مؤمن و مطیع امر خدا، می‌توان به مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی علیه السلام اشاره کرد که خداوند در قرآن می‌فرماید: **(وَ اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَاءِ الْعٰلَمِيْنَ)** (و یاد کنید هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم، قطعاً خدا تو را برگزیده و (از همه) آلودگی‌های ظاهری و باطنی) پاک ساخته و بر زنان جهانیان (زمان خودت) برتری داده است). [۱۳]

## فاطمه علیها السلام نمونه کامل یک زن

فاطمه زهرا علیها السلام یگانه دختر رسول مکرّم اسلام، همسر علی بن ابی طالب علیه السلام، از برترین زنان دو عالم است. سراسر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام مملو از مکارم اخلاق و رفتارهای نمونه انسانی است. زهد، تقوا، عبادت، ساده‌زیستی و تحمل مشکلات سبب شده تا فاطمه زهرا علیها السلام نمونه کامل اخلاقی برای عموم بشر به حساب آید.

ایشان تنها زنی بودند که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباهله خارج شدند و از اصحاب کساء هستند. حضرت فاطمه علیها السلام نمونه کاملی از یک دختر، همسر و مادر در طول تاریخ بوده‌اند. زمانی که در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله بود، پیامبر صلی الله علیه و آله را بسیار اکرام می‌داشت. رفتار او با پدرش همچون رفتار مادر با فرزند بود، از او نگهداری می‌کرد و زخم‌ها و درد و رنج‌هایش را التیام می‌بخشید. [۲۴] پیامبر صلی الله علیه و آله با داشتن چنین دختری لقب (أم‌آیها) را به او داده بود و او را این چنین خطاب می‌کرد. [۲۵]

حضرت فاطمه علیها السلام نمونه برجسته یک مادر در تربیت درست و صحیح فرزندانش بود؛ فرزندان او چون امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام که هر کدام اسوه تمام عیار جهان اسلام در زمان خودشان به شمار می‌رفتند.

در حدیث قدسی از عظمت فاطمه زهرا علیها السلام چنین آمده است: «ای احمد، اگر تو نبودی آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم.» [۲۶]

پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به ایشان چنین می‌فرماید: «نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود فاطمه است.» [۲۷] و «خداوند با خشم فاطمه به خشم می‌آید و با خشنودی او خشنود می‌شود.» [۲۸] امام حسن عسکری علیه السلام در مقام و مرتبه فاطمه علیها السلام می‌فرمایند: «ما حجت‌های خدا بر مخلوقاتیم و جد ما فاطمه علیها السلام حجت بر ماست.» [۲۹]

حضرت زهرا علیها السلام نقش برجسته و کمال یافته از یک زن است؛ کسی که با حیا و عفت خویش سرمشق و سرلوحه تمام زنان بلکه تمام مردان بود. زنی مبارز، ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه که از حق امام علی علیه السلام دفاع کرد؛ نه تنها به این خاطر که علی بن ابی طالب علیه السلام همسر ایشان است؛ بلکه برای دفاع از وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله و استمرار امر ولایت از علی علیه السلام و گسترش حاکمیت الله چنین شجاعانه در جایگاه یک زن ایفای نقش نمود.

تاجر بزرگ و بنام مدینه اموال و دارایی‌هایش را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد تا در یاری دین اسلام و آیین ناب محمدی به کار گیرد.

علامه مجلسی راجع به اموال حضرت خدیجه علیها السلام بیان می‌کند: «در شهر مکه کسی از ایشان ثروتمندتر نبود و در هر سو و ناحیه غلامان، احشام و اغنام فراوانی داشتند و بیش از ۸۰ هزار شتر در مناطق مختلف برای تجارت داشتند و در مناطق مختلفی چون مصر و حبشه تجارت‌خانه داشتند و عده‌ای برای ایشان مشغول تجارت بودند.» [۱۸]

خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله اموالش را در اختیار ایشان صلی الله علیه و آله گذاشت و آن حضرت هم اموال را در راه خدا به مصرف رسانید. [۱۹]

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در وصف حضرت خدیجه علیها السلام چنین می‌فرماید: «به خدا قسم، خداوند بهتر از او را به من نداده؛ زمانی که تمام مردم به رسالتم کافر بودند، او به من ایمان آورد و زمانی که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود و با مال خویش مرا دلداری داد و خداوند از او فرزند به من عطا کرد و از داشتن فرزند از زنان محروم ساخت.» [۲۰]

## همچون آمنه دل‌سوز فرزند

فاطمه بنت‌اسد همسر ابوطالب علیه السلام دومین زنی بود که در صدر اسلام بعد از حضرت خدیجه علیها السلام به دعوت حق لبیک گفت. [۲۱]

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از نعمت پدر محروم شد، عمویش ابوطالب او را به فرزندگی برگزید و همسرش فاطمه بنت‌اسد او را مورد محبت و احترام قرار می‌داد. پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص ایشان می‌فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چه کودکان خود را گرسنه می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت، راستی که مادرم بود.» [۲۲]

سید احمد الحسن در تبیین زنان یاریگر حق که موضع‌گیری‌های مبارکی از خود نشان می‌دادند، از فاطمه بنت‌اسد مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم نام برده است. [۲۳]

دل‌سوزی‌های مادرانه با آغوش گرم فاطمه بنت‌اسد از محمد صلی الله علیه و آله قدمی بزرگ در یاری رساندن دعوت و استمرار ولایت دارد. کودکی که با وجود ابوطالب و فاطمه غم‌یتمی را از خاطر می‌زدود و با تکیه بر خداوند و یاری خالصانه همراهانش، به پیشروی آیین اسلام ادامه می‌داد.

او رفت. آنگاه که درب خانه‌اش به آتش کشیده شد، پهلویش شکست، جنینش سقط شد و علی را دست‌بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار با ابوبکر بن ابی‌قحافه بیعت کند.» [۳۳]

فاطمه علیها السلام این بانوی مدافع ولایت تا پای جان از ارزش‌های اسلامی و دین حق و وصیت برجای مانده از رسول مکرم اسلام دفاع کردند و در اوج مظلومیت به شهادت رسیدند. ایشان نمونه بارز و یگانه‌ای از یک بانوی اصلاحگر، ظلم‌ستیز و عدالت‌جو در تاریخ اسلام بودند.

### دختری دل‌سوز پدر و هم‌رکاب برادر

در میان زنان، فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام موسی کاظم علیه السلام و خواهر علی بن موسی‌الرضا علیه السلام نیز در دفاع از ولایت و امامت نقش بسزایی داشتند. در شرایطی که امام رضا علیه السلام با تهدید به مرگ ناچار به پذیرفتن ولایتعهدی مأمون بود، باید مدافعان امامت این نکته را برای مردم روشن می‌کردند؛ چنانچه حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله این دفاعیه را انجام دادند.

حضرت معصومه علیها السلام نیز در دوران هارون و مأمون، با نقل احادیث متواتر و قطعی مربوط به امامت و خلافت خصوصاً حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام اقداماتی انجام داد؛ از جمله نقل حدیث حضرت حدیث منزلت، حدیث معراج و ولایت حضرت علی علیه السلام. بیان این احادیث از جانب حضرت معصومه علیها السلام در دوران خلافت هارون و مأمون که خود را پیشوای برحق مسلمانان می‌دانستند، در اثبات حقانیت امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بسیار تأثیر داشت و جانانه‌ترین دفاع از امامت به حساب می‌آمد. [۳۴]

حضرت معصومه علیها السلام نیز مانند هر زن عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز دیگری، با خواندن احادیث مربوط به امر ولایت که در حق ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده از حق برادرش دفاع کرد.

### بانوان عاشورایی

در تاریخ عاشورا و قیام حسینی کم نبوده‌اند زنانی که در دفاع از حجت زمانشان نام‌آور شدند. زینب کبری علیها السلام دختر بانو فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام پرآوازه‌ترین زن حماسه‌ساز عاشورا در جهان اسلام است. قبل از بیان ویژگی‌های این بانوی مطهر به بیان نام غرور‌آفرین زنان

حضرت فاطمه علیها السلام بعد از وفات پدر تنها ۷۵ روز در این جهان زندگی کردند و در طول آن مدت، غم و اندوه زیادی را تحمل نمودند. [۳۰] از جمله: شورای سقیفه، غصب خلافت و مصادره فدک.

به‌رغم تنصیب علی علیه السلام توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر و مکتوب نمودن وصیت، غاصبین آن را انکار کردند و پیشوای گمراهی را بر امر حکومت گماشتند.

حضرت فاطمه علیها السلام برای دفاع از وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امر حاکمیت الهی دچار تهدیدات و ناملایماتی از جانب شورای سقیفه (ابوبکر، عمر و پیروانشان) شدند؛ از جمله این تهدیدات آتش زدن درب خانه ایشان توسط آنها بود. [۳۱]

بیعت نکردن علی علیه السلام و عدم بیعت مخالفان با ابوبکر، سبب شد پیشوایان گمراهی که حقد و کینه اهل بیت علیهم السلام را در سینه داشتند، به خانه ایشان حمله کنند و درب خانه را آتش زنند.

در پی این حادثه، با مقاومت حضرت فاطمه علیها السلام در پشت درب برای ممانعت از ورود آنها و گرفتن بیعت اجباری از علی علیه السلام سبب شد فاطمه زهرا علیها السلام دچار آسیب شوند و جنینشان سقط شود.

این فاجعه مصیبت‌بار را از زبان بانوی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام می‌شنویم: «هیزم بسیار بر درب خانه ما گرد آوردند و آتشی آوردند تا خانه و نیز ما را به آتش بکشند. من چهارچوب در را گرفتم و گفتم: شما را به خداوند و پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله سوگند می‌دهم که از ما دست بردارید و ما را یاری دهید. عمر تازیانه را از دست قنفذ [غلام ابوبکر] گرفت و با آن بر بازویم زد. تازیانه بر بازویم پیچید تا همچون دستبندی شد. در را با لگد کوید و آن را به طرف من باز کرد، درحالی که من باردار بودم. من با صورت افتادم، آتش زبانه می‌کشید و صورتم سیلی خورد. او با دستش چنان بر صورتم سیلی زد که گوشواره‌ام از گوشم افتاد و درد بارداری سراغم آمد و محسن کشته شده، بی‌هیچ جرمی سقط شد.» [۳۲]

فاطمه زهرا علیها السلام آن یاس سفید نبوی، با شکنجه‌ای که غاصبان خلافت بر جسم نحیفش وارد ساختند، سبب بیماری، سقط جنین و در نهایت شهادت ایشان شدند.

ماجرای بانو فاطمه زهرا علیها السلام اولین شهید مدافع وصیت را از زبان سید احمد الحسن می‌خوانیم: «مظلومیت زهرا علیها السلام حقیقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی آزارهایی بود که در خانه‌اش بر

بسیاری هستند که نزد خدا مقام و منزلت والاایی دارند. حتی بانویی هست که از این عده برتر و والاتر است؛ زینب علیها السلام دختر علی علیه السلام پس از مادرش فاطمه علیها السلام برترین زنان جهانیان است. این سخن شما که زنان با فضیلت فقط همین چهار نفرند، چندان دقیق نیست، و شما بدان که باب بر تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاصشان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند.» [۳۷]

همان‌طور که در کلام سید احمد الحسن مشخص است حضرت زینب علیها السلام بعد از مادرش فاطمه علیها السلام به‌عنوان بانوی والامقام و با فضیلت به‌شمار می‌آیند.

حضرت زینب علیها السلام بانوی دلیر و مبارزی که نه تنها در میان زنان، بلکه در مردان عالم کمتر نظیرش را می‌توان دید. زنی به وسعت تاریخ که زبان از وصف شجاعتش قاصر است، پرستار کودکان و زخم‌خوردگان عاشورا، عابدی که دست از عبادت معبودش حتی در سخت‌ترین لحظات بر نمی‌داشت. در روایتی در وصف عبادت و نماز شب زینب کبری علیها السلام چنین آمده: «امام حسین علیه السلام هنگام وداع در روز عاشورا، به زینب علیها السلام سفارش کرد که خواهرم مرا در نماز شب فراموش نکن.» [۳۸]

مصیبت‌های روز عاشورا همچون باران بر سرش می‌بارید و با وجود داغ یک‌به‌یک عزیزانش و با تمام این مشکلات شکسته نشد و فرمود: «این مصیبت بر من آسان است؛ چراکه در محضر خداست.» [۳۹]

زینب علیها السلام وقتی با بدن پاره‌پاره برادر روبه‌رو می‌شود می‌فرماید: «خداوندا، این قربانی اندک را از ما بپذیر.» [۴۰]

زینب علیها السلام بانویی شجاع و خطیب که با اُبّهت در میان کاخ دشمن‌ترین دشمنان اسلام چنان با صلابت و غرّا سخنرانی کرد که پایه‌های حکومت فرزند معاویه را به لرزه درآورد.

حذیم بن شریک الاسدی درباره خطبه حضرت زینب علیها السلام می‌گوید: «سوگند به خدا، کسی را مانند زینب علیها السلام در سخنوری توانا ندیدم؛ چنان‌که گویی از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام سخن می‌گوید. بر مردم نهیب زد خاموش باشید! با این نهیب، نه تنها آن جماعت انبوه ساکن شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد. او خدا را ستایش کرد و بر رسول او درود فرستاد و مردم کوفه را به خاطر رفتار دوگانه‌شان و کوتاهی در یاری امام حسین علیه السلام نکوهش کرد و

عاشورایی می‌پردازیم:

۱. (ام‌وهب) اولین زن شهید کربلا؛

۲. (ام‌خلف) مادری که فرزند خود را فدای فرزند پیامبر (ص) کرد؛

۳. (بحریه) مادری که به فرزند خود لباس رزم پوشاند؛

۴. (اسما) همسر مختار؛

۵. (روحیه) دختری که پدرش (عمر بن حجاج) در لشکر دشمن بود. روحیه همسر هانی بن عروه بود که با ورود مسلم به کوفه از مسلم در منزل خویش پذیرایی کرد؛

۶. (فکهمیه) اسیر شام شد. فکهمیه در خانه رباب همسر امام حسین علیه السلام خدمت می‌کرد؛

۷. (حسنیه) به امام زین‌العابدین علیه السلام خدمت می‌کرد و در قیام عاشورا به اسارت گرفته شد.» [۳۵]

### زنی به وسعت تاریخ

علاوه بر زنان شجاع و مبارزی که در آیات و روایات نامشان به میان آمده، می‌توان به زینب کبری علیها السلام دختر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام اشاره کرد. ایشان از ابتدای قیام سیدالشهدا تا لحظه وداع از پیکر بی‌جان برادر، او را همراهی کرد و نقش مهم و اساسی در دفاع از حق و قیام حسینی بر عهده داشت.

سید احمد الحسن در پاسخ به این سؤال که «چرا فقط چهار زن آسیه علیها السلام، خدیجه علیها السلام، مریم علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام به مراحل بالای کمال رسیده‌اند؟» [۳۶] این‌گونه می‌فرماید: «موضوع انحصار به کمال رسیدن زنان به چهار نفر درست نیست. صحیح آن است که هر انسان طبق علم و اخلاصش جایگاهی نزد خداوند سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد چه زن! اما اینکه برتر خواندن یک انسان معین و اینکه او از تمام انسان‌های پیش از خود برتر یا برترین اهل زمان خود است یا حتی بر تمام انسان‌ها برتری دارد، فقط و فقط از طریق تصریح خداوند سبحان توسط فرستادگانش ثابت می‌شود. از طریق خبری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نقل از خداوند سبحان و دانای غیب‌ها داده، ثابت شده است که فاطمه علیها السلام سرور زنان عالمیان (دو جهان) است؛ همچنین ثابت شده است که مریم، آسیه و خدیجه فضل و مقامی نزد خداوند دارند؛ ولی این قضیه فقط به همین عده منحصر نمی‌شود؛ بلکه زنان



و تعریف کنند و به برپایی مجالس عزا در مناسبت‌های مربوط به مصائب آل محمد (علیهم‌السلام) اقدام کنند و حق را به مردم بشناسانند و باطل را تبیین کرده و اهل باطل را مفتضح سازند. حضرت زینب (علیها‌السلام) پس از واقعه کربلا نقش بسیار عظیمی در تبیین حق و رسوا نمودن باطل بر عهده داشت.» [۴۴]

### سخن پایانی

به روایاتی در ابتدای مقاله اشاره شد که دلیل بی‌توجهی و کم‌ارزش بودن زنان در دیدگاه بعضی از مردان، از آنها نشئت می‌گرفت. در صحت و سقم آن روایات، کلام سید احمد الحسن را بیان کردیم. چنانچه گفته شد زنان نه تنها بی‌ارزش نیستند، بلکه می‌توانند به اندازه وسع و توانشان در یاری حجت الهی تأثیرگذار باشند و این امر از زنان ساقط نشده است، همان‌طور که از زنان پاک‌دامن و مؤمنی همچون آسیه، خدیجه، مریم، مادر موسی، فاطمه زهرا، زینب سلام الله علیهن اجمعین و... سخن به میان آمد. آنها در یاری حجت خدا از هیچ کوششی دریغ نکردند و تا پای جان یاری‌رسان حجت‌های الهی بودند. پس این کلامی که مردان نسبت به زنان روا می‌دارند ناشی از کج‌فکری آنهاست؛ بلکه در زمان گذشته و حال بوده و هستند زنان موفقی که در انجام امور تواناتر از مردان عمل می‌کردند.

سید احمد الحسن می‌گوید: «برای هر زنی امکان دارد برای بزرگ‌ترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد.» [۴۵]

لذا امید بر آن است که دختران و زنان مؤمن و پاک‌دامن در مسیر حجت زمانه و گسترش دین حق پرتوان‌تر از همیشه یاری‌رسان باشند و به گفته‌های بی‌پایه و اساسی که از خلال ذهن بیمارگونه برخی مردان برمی‌خیزد توجهی نشان ندهند.

آنان را به کیفری بزرگ برای کشتن سید جوانان اهل بهشت وعده داد. پس از سخنان زینب (علیها‌السلام) مردم حیران شده بودند و دست‌ها به دندان می‌گزیدند.» [۴۱]

### درهای کمال و ارتقا بر روی زنان گشوده است

زینب (علیها‌السلام) نقش بزرگی در واقعه عاشورا ایفا کرد. ایشان الگوی کاملی از یک زن، برای دفاع و یاری از حجت الهی به شمار می‌آید. ظلم‌ستیزی، شجاعت، صبر و استقامت او بر مشکلات از پرآوازه‌ترین ویژگی‌های اوست.

سید احمد الحسن می‌گوید: «زینب دخت علی-عاملی برای تداوم امامت و خلافت الهی بود، با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود... و بهترین‌های اهل زمین-یاران برادر و پدر خود- را از دست داده بود... و همه این‌ها در یک لحظه رخ داد... ولی شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این‌طور اقتضا می‌کند. ایشان بی‌درنگ قیام را انتخاب کرد... و در دهم محرم و پس از آن، به تنهایی سپاه و امتی شد... خودش را با کرامت و سخاوت به مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رسانید و از زندگانی علی بن حسین سجاد (علیه‌السلام) محافظت کرد. به همین سبب ایشان باب استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خداوند سبحان، دارای مقام بزرگی است.» [۴۲]

ایشان، زینب (علیها‌السلام) را به عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت معرفی می‌کند که دیگر زنان در هر زمان و مکان که برایش مقدور است به ایشان اقتدا کنند.

سید احمد الحسن درباره وظیفه زنان در نصرت حق چنین می‌گوید: «زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد و به آنچه مورد رضای خداوند است، عمل می‌کند... زن مؤمن مکلف است نسبت به دین خود معرفت یابد و در حد وسعش حق را به مردم بشناساند و ابلاغ کند: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا التَّسَبَّتْ) (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکی‌های هرکس از آن خود اوست. و بدی‌هایش از آن خود اوست).» [۴۳]

... همچنین بانوان مؤمن می‌توانند به اندازه وسع و توان خود کارهایی برای خویش تنظیم

۲۸. کنز العمال ج ۶، ص ۲۱۹ و ج ۱۲، ص ۱۱۱؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۵۳.
۲۹. شیخ حر عاملی، الانتصار، ج ۷.
۳۰. الکافی ج ۱، ص ۲۴۱ حدیث ۵؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۱.
۳۱. ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۷۲.
۳۲. بحار الانوار ج ۳۰، ص ۳۴۸؛ بیت الاحزان، ص ۱۲۱؛ عبدالعالی منصوری، فاطمه صدیقه شهیده، ص ۲۵۶.
۳۳. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه ج ۶، ص ۶۴۴.
۳۴. برگرفته از سایت حوزه نت، hawzah.net.
۳۵. زنان نامداری که در کربلا حضور داشتند. farsnews.ir؛ دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، ج ۱۶، ص ۳۲۱ تا ۳۳۱.
۳۶. پرسشگر به روایت زیر اشاره می کند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هیچ یک از زنان کامل نشدند مگر چهار نفر: آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد.» که در کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۴۰ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸ آمده است.
۳۷. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه، ج ۶، ص ۴۰؛ زن در اسلام، ص ۵۳.
۳۸. محلاتی، ریاحین و الشریعه، ۱۳۴۹ ش، ج ۳، ص ۶۲.
۳۹. اللهموف فی قتلی الطفوف، قم انوار الهدی ۱۴۱۷ ق، چاپ الاولی، ص ۶۹.
۴۰. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۷.
۴۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۴۲. سید احمد الحسن، صفحه فیس بوک، ۲۹ آگوست ۲۰۲۰؛ زن در اسلام، ص ۲۷.
۴۳. سوره بقره، آیه ۲۸۶.
۴۴. سید احمد الحسن، در محضر عبد صالح، ج ۲، (نقش زنان در یاری حق)؛ زن در اسلام، ص ۳۲.
۴۵. سید احمد الحسن، صفحه فیس بوک، ۲۹ آگوست ۲۰۲۰؛ زن در اسلام، ص ۲۷.

۱. از جمله می توان به دیدگاه قرآن اشاره کرد که به تساوی زنان و مردان در ایمان، عمل صالح و جزای الهی اشاره می کند. آیه ۱۲۴ سوره نساء (وَمِنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ تَقِيرًا) (و هر فردی که کارهای شایسته انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، در حالی که مؤمن باشد، پس آنان به بهشت وارد می شوند و کمترین ستمی به آنان نمی شود)؛ همچنین روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که می فرماید: «زنان نیمه دوم مردان هستند.» (سیوطی، حدیث ۲۵۶).
۲. اشاره به روایتی از پیامبر (ص) که در صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۱، ص ۶۱ وارد شده است.
۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱ (در وصیت نامه امام به فرزندش)
۴. اشاره به روایتی در نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۶.
۵. احکام نورانی اسلام، ج ۲، ص ۲۱۳.
۶. پرسش های مربوط به زنان و زندگی مشترک در تالار انصار امام مهدی (علیه السلام)؛ زن در اسلام، ص ۴۶.
۷. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه ج ۴، ص ۳۶؛ زن در اسلام، ص ۴۸.
۸. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه، ج ۶، ص ۶۲؛ زن در اسلام، ص ۴۷.
۹. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه، ج ۴، ص ۵۳؛ زن در اسلام، ص ۴۹ و ۵۰.
۱۰. برگرفته از مقالات هفته نامه زمان ظهور، نشریه شماره ۱۶۹، شوهر وحشی.
۱۱. طبرسی، مجمع البیان ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۷۳۹.
۱۲. سوره تحریم، آیه ۱۱.
۱۳. سوره آل عمران، آیه ۴۲.
۱۴. سوره تحریم، آیه ۱۲.
۱۵. سوره قصص، آیه ۷.
۱۶. سوره توبه، آیه ۴۴.
۱۷. سوره نمل، آیه ۴۴.
۱۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱ و ۲۲.
۱۹. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.
۲۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۳۰.
۲۱. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ۱۴۳۲ق، ص ۳۷؛ ابن ابی حدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۴.
۲۲. ترجمه تاریخ یعقوبی ص ۳۶۸ و ۳۶۹ به نقل از آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۹.
۲۳. سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه، ج ۴، سوال ۳۲۲.
۲۴. رحمانی همدانی، فاطمه زهرا (علیها السلام) بضعة قلبی مصطفی (صلی الله علیه و آله)، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۴.
۲۵. اربلی کشف الغمه، منشورات الرضی ج ۱، ص ۴۳۸.
۲۶. سید احمد الحسن، متشابهات ج ۱، سوال ۸.
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال ج ۲، ص ۶۱۸.

# تفسیرِ صلابت، «زینب»

## شکوه حماسه در سراپردهٔ حیرت

### به قلم: ستایش حکمت



ایستاد و سرش را در برابرت خم کرد [او مادر توست. به خاطر تو سرش را خم خواهد کرد. [تمام اسل‌ها جفت‌جفت ایستاده بودند به جز یکی که از جایش کنده شده بود]. من و تو یکی از ما پنهان خواهد شد و از بین می‌رود. [در باغ در گرداگرد زمین اطرافت درختان بلند ترسناک افراشته شدند]. دیوسیرتان تو را خواهند ترساند. [بر زمین رؤیایت آبی فرو نمی‌ریزد]. آغل بره‌ها ویران خواهد شد. شیاطین عرصه را بر تو تنگ خواهند کرد. کیسهٔ آذوقه‌ات خالی گشته و همه چیز آن به تاراج رفت و جام مقدست از میخی که به آن آویزان بود، فروافتاد.

از زانوی مادرت که تو را آبستن شد، خواهی افتاد. آذوقهٔ چوپان، مشک چوپان، همه چیز ناپدید می‌گردد. دیوصفتان هر کاری انجام خواهند داد تا تو را ناتوان سازند. جغد، کرکس، باز، عفریت بزرگ همه می‌خواهند تو را برانند. در آغل بره‌ها کار تو را یکسره خواهند کرد. ماده‌شترهای کوچکت غبارآلود ناله سر می‌دهند. خشم چونان گردباد در آسمان پایدار می‌ماند، تو بر زمین خواهی

نمی‌ریزد. کیسهٔ آذوقه‌ام خالی گشته و همه چیز آن به تاراج رفت. جام مقدسم از میخی که به آن آویزان بود افتاد! عصای چوپان ناپدید شد. کرکس، بره‌ای را با جنگال‌هایش می‌برد. و «باز» گنجشک را از حصار نیین ربود. خواهرم، ماده‌شترهای کوچک من غبارآلود ناله می‌دهند. بره‌های آغلم با پاهایی لنگان روی زمین حرکت می‌کنند. مشک شیر، متلاشی شده و خالی است. جامم خرد شد. دموزی دیگر بین زنده‌ها نیست. آغل بره‌هایش برباد هوا رفت.

جشتی نانا گفت: آه ای برادر من! خوابت را برایم بازمگو! شادمان‌کننده نیست. «اسل» در تمام اطرافت می‌روید. «اسل» به انبوه از درون زمین بالا می‌آید. جمعی از قاتلان کارا بر تو یکسره خواهند کرد. این خواب توست. [یکی از آن گیاهان به تنهایی

«مخاطبم» هرکه می‌خواهی باش؛ دستت را به من بده تا تو را با خود به توقفگاه‌هایی از سومریان ببرم. الواح سومر و آكد را برایت بخوانم تا پیوند دردناک عاشورا را به چشم ببینی. به من گوش فراده! «... بعد از خواب دیدن بیدار شد؛ چشمانش را مالید؛ سرگیجهٔ شدیدی احساس کرد؛ دموزی بیدار شد و گفت: او را نزدم بیاورید، او را بیاورید. خواهرم را بیاورید. «جشتی نانا» خواهر کوچکم را بیاورید. آن نویسندهٔ دانا به رمز ارواح را بیاورید. خواهرم را که معانی کلمات را می‌داند؛ آن زن عاقله‌ای که معنای خواب‌ها را می‌داند؛ باید با او سخن گویم. باید از خوابی که دیده‌ام باخبرش سازم.

دموزی با خواهرش «جشتی نانا» سخن گفت، دربارهٔ خواب: خواهرم به خوابی که دیده‌ام گوش فراده! «اسل» [۱] در تمام اطراف من می‌روید؛ «اسل» به انبوه از درون زمین بالا می‌آید؛ یکی از آن گیاهان به تنهایی ایستاد و سرش را در برابرم خم کرد. تمام اسل‌ها جفت‌جفت ایستاده بودند به جز یکی که از جایش کنده شده بود.... در زمین رؤیایم آبی فرو

آغلی که بر باد هوا رفت و بره‌هایش در عاشورا لنگ‌لنگان روی زمین حرکت می‌کردند و ناله‌وا آبتاه سردادند. مادرش بانویی که در برابر دموزی همان «حسین سر از تن جدا» سر خم کرد. سری که بر بلندای نی، قرآن می‌خواند.

**(أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا)** (اصحاب كهف و رقيم از نشانه‌های شگفت‌انگيز ما بوده‌اند؟). [۴]

سر دموزی به روی نی، چشمانش به آغل آتش گرفته افتاد؛ این همان نگاه خون‌بار حسین بن علی علیه السلام از روی نیزه به خیمه‌های سوخته و کودکان ترسانش است. بره‌های رمیده از گله و خارهای مغیلان دشت بیکران که توان دخترکان را بریده... چگونه تن به مرگ ندهد کسی که یاور و معینی ندارد؟ ددمنشان دیوسیرت، حتی اجازه بازگرداندن اهلش به حرم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله را ندادند. تنها ندای «الوداع الوداع» بود که شنیده می‌شد.

زینب علیها السلام فرصت سوگواری نداشت. باید اشک را فرو می‌خورد و درد را با خار مغیلان از سینه فرو می‌داد تا قامت صبر را بر بلندای رشادت بندد و قیام کند. زینب علیها السلام قبل از حسین علیه السلام، جان از تنش رفته بود ولی رسالت مادر او را نگاه داشت. زینب علیها السلام سکینه را می‌دید که گویی خون از جگر مبارکش می‌بارید و می‌گفت: «پدر، ما را به که وامی‌گذاری؟» حسین علیه السلام لب‌های عطشان و کمر خمیده از هجر اکبر و عباس را به زحمت حرکت داد.

جوانمرد آنجا به بند کشیده شد. «(پایان کتیبه) [۲]

«جشتی نانا»، تو را در اندوه کتیبه می‌خوانم. تو که از سلالهٔ پیمبری و زینت حیدری و صبرزهرای اطهری. تو ستودهٔ سومریانی؛ اصیل‌ترین مردمان متمدن هزاران سال قبل که در میان نگاره‌ها، نقش صبر تو را به تسلیم و رضا ترسیم کردند. سومریان قبل از اینکه اسل‌ها برویند، و رؤیای دموزی محقق شود بر اندوه و فغان تو گریستند. قبل از اینکه مشک شیرپاره شود و آغل بره‌ها به باد هوا برود.

جشتی نانا یا «زینب عقيلة العرب» همان ام‌المصائب، بانویی که صبر را به سجده و ستایش واداشت. این بانوی کریمهٔ مخدرهٔ گرامی قبیله، ملقب به زینب کبری علیها السلام در پنجم جمادی‌الاول سال ششم هجری قمری در محلهٔ بنی‌هاشم شهر مدینهٔ فاضله دیده به جهان گشود. فرزند سوم امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام. زینبی که برای نام‌گذاری‌اش در بدو تولد، مادرش زهرا علیها السلام بر علی علیه السلام پیشی نگرفت و امیرالمؤمنین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان به خداوند سبحان پیشی نگرفت و در نهایت نام «زینب اب» از نزد خداوند برایش انتخاب شد. [۳]

بانوی رشیدی که در اوج مصائب کربلا قوی ماند تا نامل قیام خونین حسینی باشد. زینب همان جشتی نانا؛ نویسندهٔ دانا به رمز ارواح؛ بانوی عاقله و کامله‌ای که معنای خواب‌های دموزی را می‌دانست. او داستان دموزی و آغل بره‌هایش، قصهٔ پرغصهٔ مشک متلاشی و انبوه اسل را از مادرش آموخته بود.

افتاد. هنگامی که بره‌های آغلت با پاهایی لنگان بر زمین حرکت می‌کنند، هنگامی که مشک متلاشی شده و خالی است، شیاطین هرچیزی را پژمرده خواهند کرد. گالا گونه‌هایت را خواهد خراشید، آن هنگام که «باز»، گنجشکی را از حصار نیین می‌رباید.

دموزی، گیسوانم به خاطر تو در آسمان پریشان خواهد شد! بره‌ها زمین را با سُم‌های خود خواهند کند. آه دموزی! من با تأسف بر تو، گونه‌هایم را خواهم درید. دموزی از شیاطین گریخت. به آغل بره‌های خواهرش جشتی نانا گریخت. وقتی جشتی نانا دموزی را در آغل بره‌ها دید گریست. غم و اندوهش چونان جامه، افق را پوشانید.

دموزی برخیز! ای همسر اینانا! پسر «سرتور» برادر جشتی نانا! از خواب دروغینت برخیز! بره‌هایت غارت شدند؛ گوسفندان غارت شدند؛ ... تاج مقدست را از سر درآور؛ رخت پادشاهی‌ات را از تن به درار؛ بگذار عصای پادشاهی‌ات بر زمین افتد. نعلین مقدست را از پای درآور، عریان با ما می‌روی. گالا دموزی را گرفت؛ او را احاطه کردند؛ دستانش را بستند؛ گردنش را بستند؛ مشک شیرده آرام گرفت؛ شیری از آن پایین نمی‌آید؛ جام خورد شده است...

منم «نانسونا» مادر آن سرور بزرگ! منم کشتن خواهر جوانمرد مقدس! قلبم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد. به مکان جوانمرد رفت. به جایگاه دموزی، قلبم سوگوار و غم‌زده رو به دشت نهاد، به جایی که

در دل‌هاشان جاودان کرد. از گناه بزرگی یاری ندادن حجت خدا سخن گفت و کوفیان را تا ابد محکوم به حقارت کرد.

**و ما بانوان انصار، امروز در عصر قائم علیه السلام، قلمی را که زینب علیها السلام پس از رسالت و شهادتش بر زمین گذاشت با شهامت برداشته‌ایم. شما را بر حذر می‌داریم از کربلایی دیگر و حسینی دیگر که ما آمده‌ایم تا فرزندان و پدر و مادر و جان ناقابل خویش را فدای مهدی فاطمه، حسین این زمان کنیم. و از خداوند می‌خواهیم نام ما و شما را در سجل حیات از زینبی‌های زمان ثبت کند.**

السلام علی زینب و علی اخیها و امها و ابیها

#### منابع:

۱. اسئل، گیاهی است که دارای شاخه‌های تیز و خاردار است و مجازاً به معنای هر چیزی که مانند شمشیر و کارد تیز باشد، به کار می‌رود.
۲. سید احمد الحسن، کتاب «توقفگاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و اکد»، ص ۲۱ تا ۳۵.
۳. قزوینی، زینب الکبری علیها السلام من المهد الی اللحد، ص ۳۵.
۴. سوره کهف، آیه ۹؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۷؛ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۷۳.
۵. ابی مخنف، مقتل الحسین.



۶. شیخ مفید، ارشاد، ص ۴۷۲ عربی؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۹.
۷. سید احمد الحسن، صفحه رسمی فیس‌بوک، ۲۰ آگوست ۲۰۲۱.



برخاستن را برگزید و در روز دهم محرم و بعد از آن به تنهایی همچون لشکر و امتی بود. جان خود را با بخشندگی و سخاوت تمام در معرض مرگ قرار داد و به بهترین وجهی که قابل تصور است وظیفه خود را انجام داد و از زندگانی علی بن حسین و استمرار امامت محافظت کرد.» [۷]

بانو زینب کبری سلام الله علیها صبری از خود بر جای گذاشت که تا امروز، اسلام وام‌دار این صبر و رشادت است. سفیر کربلا شد و دلیرانه از تن تباردار امام علی بن الحسین علیه السلام محافظت کرد تا از وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب وفاتشان که بعد از امام حسین علیه السلام به نام ایشان مهر خورده بود. صیانت کند. در حقیقت کربلا با تمام مصائبی که بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گذشته بود در کربلا دفن می‌شد، اگر زینب و خطبه‌های غرایش نبود.

رختِ نفاق و تظاهر را از تن یزید و یزیدیان در آورد و با تن‌پوش بی‌آبرویی در هر کوی و برزن رسوایشان کرد. گویی روح علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود که با شجاعت بی‌نظیری در زینب علیها السلام تراوش کرده بود. با صلابت، واقعه حسین در کربلا را یادآور شد و حزب شیطان را نفرین کرد. غرور یزید را از بلندای هوا هوس در مجلس عیش شکست و ننگی همراه با لعن ابدی بر پیشانی یزید و یزیدیان در تاریخ باقی گذاشت. آری، این بانوی بزرگ دخت علی است که کوتاهی‌های شیعیان در حق امام زمانشان را برایشان متذکر شد و اندوه و حسرت را

بریده بریده گفت: «دخترم، خداوند یاور همه کس است و رحمت خدا در دنیا و آخرت از شما جدا نخواهد شد. بر قضای خدا صبر کنید و شکیبایی ورزید که به زودی دنیای فانی منقضی می‌گردد، و نعیم ابدی آخرت زوال ندارد.» [۵]

دموزی در دیدگان بی‌روح جشتی نانا خواهرش نگریست. گویی او را برای آرامش اهل حرمش می‌طلبید. زینب علیها السلام تمام توانش را در خود جمع کرد و تا آخر این قصه کنار حسین علیه السلام ایستاد و بره‌های آغل او را در آغوش گرفت و به دیار جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگرداند؛ به جز ماده بره کوچکی که تاب چشم‌های بسته پدر را نداشت و در شامگاهی تلخ، سر پدر را در آغوش گرفت و در حالی که دستان کوچکش بر روی رگ‌های بریده و موهای سوخته و چشم‌های غبارگرفته پدر بود، برای همیشه آرمید. بعد از قیام خون‌بار حسین بن علی علیه السلام بلافاصله قیام روایی و خطابی زینب دخت حیدر امیر المؤمنین علیه السلام آغاز شد و با خطبه خوانی‌هایش کاخ آمال طاغوت را بر سرشان فروریخت. با تمام مصائب با سری بلند و شاکر فرمود: «ما رایت الا جمیلاً.» [۶] صبر در برابر همین یک جمله کافی است تا پایه‌های قرارش فروریزد و سیده زینب علیها السلام را سجده کند. سید احمد الحسن در خصوص ایشان فرمودند: «زینب علیها السلام در لحظاتی بود که امام و خانواده و بهترین اهل زمین از یاران برادران و پدرش را از دست داده بود، ولی نشکست و فوراً

# زنان و مردان متمدن

## گذار از چندهمسری به تک‌همسری در پرتوی اسلام



**به قلم:**  
**مریم احمدیار**

کردن‌ها و ترش‌رویی‌هایش سرش هوو آورده بود. با نگاه مستأصلش گویی به من می‌گفت: «دستم به دامنت نگذار دستمزد سال‌ها خون‌جگر خوردن را این‌گونه به من بدهد!» می‌دانستم چاره‌ای جز ساختن ندارد. زمانی که از خانه پدری به خانه بخت می‌رفت پدرش در گوشش فرو کرده بود که با لباس سفید می‌رود و با کفن سفید برمی‌گردد. نه راه پس داشت، نه راه پیش؛ نگاهش لبریز بود از چه کنم‌ها، به دهانم خیره شده بود تا من رمز و راز باب دل همسر بودن را برایش بگویم و مدام تکرار می‌کرد: «خب مرده دیگه... خدا آزادش گذاشته، امان از این دل وامونده که به راه دین نیست...» و من جز این جمله کلیشه‌ای روان‌شناس‌ها چیزی نداشتم تا تحویلش بدهم: «درکت می‌کنم...!» نگاه دوم، نگاه زنی زیبا و جوان بود. او با اینکه دیپلم داشت از طریق اینستاگرام به درآمدی

### پیشگفتار

دو تا شدن شلوار مرد کابوس همیشگی ما زنان بوده و هنوز هم هست! این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که حکایت دو هوو حکایت کارد و پنیر است؛ پدیده چندهمسری برای تمامی زنان با هر شرایط، مذهب و فرهنگی دردناک و رنج‌آور تلقی می‌شود و این کاملاً یک امر درونی در همه آنهاست. [۱] تاجایی که حتی پیامبر اسلام ﷺ دنیا و آخرت را به دو هوویی تشبیه می‌کنند که هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی، از دیگری دور می‌شوی. [۲] در طول دوران کاری‌ام به‌عنوان یک روان‌شناس، نگاه دو زن را که زیر سر همسرانشان بلند شده بود و هوس زن‌گرفتن کرده بودند هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. یکی نگاه زن سال‌خورده‌ای بود که سواد درست و حسابی نداشت و خانه‌دار بود. بعد از سال‌ها کتک خوردن و تحقیر شدن، شوهرش به بهانه اخم و تخم

چنان ضعیف می‌دانند که می‌گویند برخی از مردان تحمل نداشتن رابطه جنسی را در طول عادت ماهیانه زنان ندارند و ممکن است به گناه بیفتند. [۵] [۶] از دیگر ادعاها نیز این است که ممنوعیت چندهمسری منجر به سهولت طلاق، بالا رفتن آمار تجاوز و فحشاگری زنان می‌شود و با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، چندهمسری خدمتی به جامعه زنان محسوب می‌شود.

### سؤال اساسی اینجاست که آیا این امر می‌تواند

### جامعه ما زنان را مجاب کند؟ در نظام‌های

مردسالارانه، زنان اگرچه قدرتی ندارند و به ظاهر در برابر چندهمسری که عموماً تصمیمی یک‌طرفه از جانب مردان است، منفعل‌اند، اما با جبران و انتقام دست به مقاومت خاموش می‌زنند. [۴] در مقابل، در نظام‌هایی که زنان فرصت تحصیل، ورود به بازار کار و افزایش توانایی و آگاهی خویش را دارند آشکارا توان ابراز مخالفت خود را دارند. [۷] در واقع، در جامعه مدرن امروز چندهمسری ممکن است به جای حفظ بنیان خانواده، تأثیرات مخربی بر سلامت روان نه فقط زنان، بلکه مردان و فرزندان آنها داشته باشد.

### تحقیقات نشان می‌دهد چندهمسری باعث می‌شود تعادل روانی و سازگاری زوجین از

بین برود، [۸] موجی از استرس‌ها را وارد کانون خانواده کند و در این میان فرزندان در محیطی سرشار از حسرت و ناامنی و خشم پنهان، کودکی خود را پشت سر بگذارند.

بنابراین در این مقاله قصد دارم ابتدا از اوج فاجعه بگویم؛ اینکه چندهمسری چطور می‌تواند تأثیرات مخربی بر سلامت روان زنان، مردان و حتی فرزندان آنها بگذارد؛ سپس به این مسئله مهم پردازم که با وجود آسیب‌هایی که چندهمسری ممکن است به دنبال داشته باشد، چرا اسلام حکم جواز چندهمسری را صادر کرده و حتی در برهه‌ای از تاریخ به انجام آن تشویق کرده است؟! آیا اسلام حقیقی در زمان کنونی نیز چندهمسری را راه حل مناسبی برای حل مشکلات می‌داند و همچنان پس از گذشت چندین قرن آن را ترویج می‌کند؟ و در نهایت با ارائه دلایل منطقی این امر را برای خواننده مکشوف کنم که احکام اسلام برخلاف تصور عموم به خصوص علمای دین، از بنیان خانواده تک‌همسری حفاظت می‌کند. امیدوارم این مقاله مرهمی باشد بر زخم‌های کهنه قربانیان پنهان چندهمسری و دفاع از

رسیده بود که حداقل پنج برابر درآمد یک روان‌شناس بود. قبلاً برایم تعریف کرده بود که اوایل ازدواجش طلاهای سرعقدش را کم‌کم فروخت تا برای همسرش که سال‌ها بیکار بود آبروداری کند و محتاج کسی برای یک لقمه نان نشوند. او که سال‌ها صورتش را با سیلی سرخ ننگه داشته بود، کم‌کم یاد گرفته بود روی پای خودش بایستد و حالا درست زمانی که درآمد مناسبی داشتند همسرش مخفیانه تجدید فراش کرده بود؛ آن هم به بهانه اینکه زنش در طول دوران بارداری نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جنسی‌اش باشد! با عصبانیت تمام فریاد می‌کشید: «می‌گه گناه که نکردم، از راه حلال نیازم رو برطرف کردم... تمام این سال‌ها با شوهری مدارا کردم که حاضر نیست چند ماه با بارداری من کنار بیاید... حرفش هم همین‌ها که دین گفته... خدا گفته...» سرش را بالا گرفته بود، چشمانش را ریز کرد و با خشم و غرور به من خیره شد و گفت: «شما بودید در این زندگی می‌ماندید؟!» و من بدون اینکه جوابی برایش داشته باشم، حرف‌هایم را همراه با آب دهانم قورت دادم و نفس عمیقی کشیدم. آخر از کجا می‌دانستم چرا به نام دین چنین ظلمی را به زنان روا داشته‌اند!

### پدیده چندهمسری را نمی‌توان از مغان دین

### اسلام دانست؛ زیرا قبل از آن در میان بسیاری

از اقوام مانند ایرانیان، یونانیان، رومیان، عرب‌ها، هندی‌ها، آفریقایی‌ها، چینی‌ها و... رایج بوده است. حتی در جوامعی که غالب جامعه تک‌همسر بودند، ثروتمندان و رؤسا زنان متعددی داشتند. [۳] اما در دنیای مدرن امروز که چندهمسری به یک اندازه نزد مردان و زنان جوان، مردود و غیرقابل قبول است، دین و مذهب از جمله عواملی است که به این پدیده دامن می‌زند، تا جایی که از جانب برخی علما نیز ترویج می‌شود. [۴] به زعم آنها، این امر مبتنی بر مصالح فردی و اجتماعی انسان امروزی است؛ زیرا عوامل زیادی از جمله مسائل اقتصادی و وضعیت جسمانی زن و مرد این امر را ایجاب می‌کند. همچنین بلوغ زودتر زنان نسبت به مردان، طولانی‌تر بودن متوسط عمر زنان نسبت به مردان و طولانی‌تر بودن دوره باروری مردان موجب می‌شود تعداد مردان آماده ازدواج همواره نسبت به زنان کمتر باشد. اینان حتی برای توجیه این امر، جنس مرد را در برابر غریزه جنسی

و رسوم، ثروتمند بودن، سوءرفتار زنان اول به ازدواج‌های دوم روی می‌آورند [۴] از آسیب‌های چندهمسری در امان نیستند. اغلب مردان از میزان اضطراب، استرس‌های خانوادگی، افسردگی و خشم شکایت می‌کنند. برای مثال در تحقیق اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸) مردان چندزنه از زندگی خود این‌گونه می‌گویند:

«...گاهی اوقات آن‌قدر فشار می‌آید که آدم می‌خواهد خودش را آتش بزند. پیش این می‌روی به اون حرف و حدیث می‌گه. پیش اون می‌روی به این می‌گه. آدم می‌گه همه رو سوار کن برو زیر تریلی تا خیال همه راحت بشه...» مرد دیگری نیز بیان می‌کند: «بچه‌ها اکثراً خود را با دیگران و همچنین با برادران ناتنی‌شان مقایسه می‌کنند و از عوارض بد چندزنی، پرخاشگری بین بچه‌هاست. من به خاطر مشغله‌های چندزنی نمی‌توانم در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه شرکت کنم. انگ خوردن بچه‌ها در خانواده چندزنی که می‌گویند: این پدرشان چند زن دارد کجا وقت می‌کند که بیاید. جلب ترحم دیگران که به مراتب از تیغ شمشیر برای بچه‌ها بدتر است.» [۴]

**اوج فاجعه اینجاست که فرزندان خانواده‌های چندزنه بدون هیچ تقصیری تبدیل به قربانیان پنهانی می‌شوند که نه تنها به دلیل استرس‌های پدر، کشمش و رقابت‌های هووها مورد غفلت قرار می‌گیرند، بلکه از جامعه نیز طرد می‌شوند.** امروزه در قشر جوان جامعه اعم از زن و مرد، چندهمسری غیرقابل پذیرش محسوب می‌شود تا جایی که بسیاری از مخالفان چندهمسری موافق با غیرقانونی شدن آن هستند. بنابراین فرزندان خانواده‌های چندزنی ناخواسته طعم تلخ انزوای اجتماعی را می‌چشند. علاوه بر طرد اجتماعی، اضطراب، استرس، احساس ناامنی، رقابت و کشمکش بر سر منابع ارزشمند خانواده، سلامت روان فرزندان را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. [۱۲] [۱۳]

با توجه به اثرات مخربی که چندهمسری می‌تواند به دنبال داشته باشد، لازم است مردانی که با طناب پوسیده دولتمردان و علمایی که این پدیده را ترویج می‌کنند خود و خانواده‌شان را به چاه چندهمسری می‌اندازند، به جای تجدیدفراش اندکی تجدیدنظر کنند. ازدواج دوم مردان بدون در نظر گرفتن پیامدها

اسلامی که ناعادلانه به «دین مردسالار» متهم شده است.

### قربانیان چندهمسری

روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌نگاران با تکیه بر تحقیقات انجام‌شده، چندهمسری را در هیچ جامعه‌ای تحت شرایط عادی توصیه نمی‌کنند. [۹] **به‌طور کلی، تک‌همسری دارای اثرات مثبت‌تری از جمله ارتباط جنسی مثبت، محبت و عشق بیشتر بر مبنای دوستی و روابط محبت‌آمیز نسبت به چندهمسری است.** آسیب‌های چندهمسری با مدرنیت‌شدن و بالا رفتن سن ازدواج دختران، افزایش میزان اشتغال آنان و تغییر نقش فرزندان که در گذشته به‌عنوان تامین‌کننده نیروی کار برای والدین قلمداد می‌شدند، از نیروی تولیدکننده به مصرف‌کننده و افزایش شهرنشینی بیشتر نمود پیدا کرده است. [۱۰]

این امر در زنان اول خانواده با کاهش میزان رضایت زناشویی، عملکرد ضعیف در تربیت فرزندان، عزت‌نفس پایین و افزایش میزان خشونت علیه زنان همراه است. همچنین باعث افزایش میزان افسردگی، اضطراب، استرس و بیماری‌های جسمی مانند فشارخون، سردردهای میگرنی و... شده است. [۱۱] زنان اول به دلیل سادگی، فقر، فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های خانواده ناگزیر در برابر تصمیم مرد به ازدواج دوم سر تسلیم فرود می‌آورند. [۴] زنان دوم نیز که اغلب به‌عنوان غارتگران احساس و محبت شناخته می‌شوند، گاهی به دلایل مشکلات اقتصادی، زندگی در خانواده‌های مردسالاری که حق تصمیم‌گیری را از آنان گرفته است، یا دل‌بسته شدن به مرد متأهل به دلیل روابط عاطفی خارج از چهارچوب خانواده تن به چنین ازدواج‌های پرمخاطره‌ای می‌دهند؛ علاوه بر این، زندگی در جوامعی که دیدگاه منفی به دختران سن‌بالا دارند و آنان را پیردختر یا «ترشیده» می‌نامند و از بیوه‌زنان دوری می‌جویند، باعث می‌شود زنان برای خلاص شدن از «حرف مردم» به چنین ازدواج‌های پرچالشی بله بگویند. [۷]

**جالب اینجاست** مردانی که به دلایل مختلف از جمله تنوع‌طلبی، غرایز جنسی، تحمیلی بودن ازدواج با همسر اول، اعتقادات مذهبی، فرهنگ



توانسته‌اند DNA بیشتری بسازند؛ از این رو، هر انسان را می‌توان به یک «ماشین بقا» تشبیه کرد که از طریق آن ژن‌ها دوام آورده و تولیدمثل می‌کنند. در نتیجه، رفتار هر انسان یا موجود زنده باید به گونه‌ای باشد که بقای ژن را تضمین کند.

### تفاوت اساسی بین دو جنس نر و ماده در اندازه سلول‌های جنسی آنها یا «گامت‌ها» است.

ماده گامت‌های بزرگ، بی‌حرکت و سرشار از مواد غذایی را می‌سازد که به آن «تخمک» می‌گویند. نر گامت‌های بسیار کوچک و متحرک را می‌سازد که به آن «اسپرم» می‌گویند. بنابراین، جنس ماده دارای منبع ارزشمند و محدودی است که نرها را به رقابت وامی‌دارد. اگرچه هر دو جنس نر و ماده به دنبال آن‌اند که ژن‌های خودشان را در گسترده‌ترین محدوده ممکن منتشر سازند، اما با این تفاوت که نرها دارای تعداد زیادی اسپرم و ماده‌ها دارای تعداد محدودی اما ارزشمند از تخمک‌ها هستند. در نتیجه، اگرچه آن دو به همکاری و مشارکت ژنتیکی نیاز دارند، اما تکامل، رفتارهای جنسی متفاوتی را به آنها تحمیل می‌کند. [۱۵]

ژن‌های جنس نر او را به سمتی سوق می‌دهند تا با یافتن ماده‌های مختلف و تلقیح آنها موفقیت تولیدمثلی خود را تا جای ممکن افزایش دهد. علاوه بر این، جنس نر تلاش می‌کند تا شریک‌های عاطفی جنسی خود را به منظور افزایش قطعیت پدری‌اش تحت کنترل در بیاورد. در مقابل، زنان سعی می‌کنند تخمک‌های محدود و از لحاظ متابولیکی باارزش خود را از گزند عشق‌بازی‌های زودگذر دور نگه دارند. آنها برای قطعیت مادری‌شان باید به دنبال شریک عاطفی جنسی وفادار باشند، زیرا برای نگهداری و مراقبت از تخم نیاز به حمایت دارند. در واقع، با خطرات احتمالی که جنس ماده با آن روبه‌رو می‌شود، اگر کمک پدر نباشد فرزند تا قبل از رسیدن به سن بلوغ خواهد مرد. [۱۶] کافی است محیط زندگی گذشته را تصور کنید. با وجود سختی‌ها و چالش‌های فراوان از حیوانات وحشی گرفته تا پیدا کردن غذا، اگر زن توسط مردی باردار شود که قصد ندارد طی دوره بارداری یا پس از زایمان از او و بچه‌اش حمایت کند در آن صورت زمان، انرژی و سرمایه باارزش خود یعنی «تخمک» را هدر داده و به یگانه هدف ژنی خود که انتقال

و تنها به بهانه پیروی از سنت‌های پیامبر، جلوگیری از فحشا و فرزندآوری و... نه تنها آنها را بلکه همسران و جگرگوشه‌هایشان را می‌تواند در معرض آسیب قرار دهد. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که چندهمسری در برخی شرایط می‌تواند به عنوان داروی تلخی که ناگزیر عوارضی را نیز به دنبال دارد کارساز باشد و جامعه زنان و مردان را نجات بخشد؛ اما آیا می‌توان ادعا کرد که هر دارویی که اسلام تجویز می‌کند مناسب برای تمامی جوامع و تمامی دوره‌هاست؟

**برای روشن شدن موضوع اجازه دهید مثالی را ذکر کنیم.** آیا اگر اسلام حدود شرعی سن ازدواج را برای دختران ۹ سالگی ذکر می‌کند می‌توانیم بگوییم دخترانمان را به رغم آسیب‌های جسمی و روحی که در پی دارد باید در این سن شوهر دهیم؟! قطعاً خیر؛ زیرا چنین احکام شرعی نه تنها در مرحله قانون‌گذاری بلکه در مرحله اجرا نیز به خلیفه الهی نیازمند است. اگر شرایط حکمرانی برای خلیفه خدا مهیا شود، قطعاً این قانونی نخواهد بود که طبق آن عمل کند. حلال دانستن این نوع ازدواج همان‌طور که سید احمد الحسن می‌فرماید، دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد بلکه در صورت ضرورت امکان پیدا می‌کند. برای مثال اگر فاجعه‌ای در زمین رخ دهد و احتمال انقراض نوع بشر برود، خلیفه الهی با در نظر گرفتن اقدامات احتیاطی می‌تواند جواز آن را صادر کند. [۱۴] چندهمسری نیز از جمله موضوعاتی است که اگرچه حدود الهی آن توسط قانون‌گذار حقیقی بیان شده است، اما در مرحله اجرا نیز باید به خلیفه الهی و منصوب از جانب خداوند رجوع کنیم و از ایشان الگو بگیریم. بنابراین دو موضوع مهمی که باید به آن پردازیم فلسفه جواز چندهمسری و عمل به آن در جامعه مدرن امروزی است.

حیوان خردمند در آینه تاریخ

چندهمسرگزینی ریشه در برنامه‌ریزی ژنتیکی اولیه مردان و زنان دارد؛ بنابراین مایلم برای توضیح چندهمسری کمی به عقب برگردم تا با هم از زاویه زیست‌شناسی تکاملی به این پدیده بنگریم. در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که هدف اصلی DNA (بلوک‌های سازنده ژن‌ها) ماندگار بودن است و برای این امر به تولیدمثل ژن‌ها می‌پردازد. در عرصه تکامل DNA‌هایی پیروز خواهند شد و بقایشان حفظ می‌شود که

با توجه به جدول بالا کاملاً قابل درک است که رفتارهای جنسی انسان گاهی مشابه نزدیک‌ترین خویشاوندان ژنتیکی خود یعنی شامپانزه‌ها و گوریل‌ها باشد. اما باید بگوییم انسان‌ها از لحاظ ژنتیکی بیشتر به چندزنی گرایش دارند تا سایر نظام‌های جفت‌گزینی. در گونه‌های جانوری چندزنی، نرها از نظر بدنی بزرگ‌تر از ماده‌ها هستند و استعداد بیشتری برای خشونت و تهاجم دارند؛ زیرا چندزنی ایجاب می‌کند که طی آن نرها برای دسترسی به ماده‌ها با یکدیگر به رقابت بپردازند. در این گونه‌ها ماده‌ها نیز زودتر از نرها بالغ می‌شوند و به‌طور کلی، همین‌طور که در جدول هم می‌توان دید شایع‌ترین الگوی شریک‌گزینی در پستانداران چندزنی است. [۱۷] در نتیجه، انسان اگرچه قادر است رفتارهای جنسی متنوعی را به کار بگیرد، اما می‌توان گفت الگوی غالب نژاد انسان چندزنی است.

ژن به نسل آینده است. نرسیده است. ممکن است به ذهنتان خطور کند که خب ماده‌ها هم گاهی وفادارانه رفتار نمی‌کنند. کاملاً درست است! تاریخ همچنین شاهد رواج چندشوهری در برخی جوامع بوده است که مردم در فقر شدید زندگی می‌کردند یا در آنها کشتن دختران رایج بوده است. [۴] خب برای توضیح این مطلب باید اشاره کنم که گذشته ژنتیکی ما با سایر گونه‌ها مشترک است. اشتراک ژنی انسان‌ها با شامپانزه‌ها و گوریل‌ها تقریباً ۹۸٪ است. بنابراین شناخت رفتار اجتماعی جنسی سایر گونه‌ها و مقایسه آن با انسان می‌تواند تا حدودی در درک رفتارهای جنسی انسان کمک شایانی کند. [۱۷] به جدول زیر نگاه کنید:

### دسته‌بندی نظام‌های جفت‌گزینی [۱۸]

تک همسری	هر فرد یک شریک اختیار می‌کند.	بزرگوزن کوتوله گیبون‌ها انسان‌ها
چندزنی	شکلی از چندهمسری که یک نر با بیش از یک ماده جفت می‌شود.	گوریل‌ها بابون‌ها قورباغه درختی انسان‌ها
چندشوهری	شکلی از چندهمسری که یک ماده با بیش از یک نر جفت می‌شود.	مرغ نی‌نواز گردن قرمز شامپانزه‌ها انسان‌ها
چند زن و شوهری	شکلی از چندهمسری که در آن چند نر و چند ماده با یکدیگر جفت می‌شوند.	بونوبوها شامپانزه‌ها انسان‌ها

شایع‌ترین الگوی شریک‌گزینی در پستانداران

بسیار نادر است! در برخی گونه‌های پرندگان به چشم می‌خورد.

و این می‌تواند انتخاب سختی برای آقایان باشد. [۱۶] حتی در دوران مدرن امروزی که تک‌همسری تقریباً یک ارزش انسانی محسوب می‌شود، هرگاه زنی با شکایت زن گرفتن یا خیانت همسرش به من مراجعه می‌کند، کاشف به عمل می‌آید که این خیانت ریشه در دوران بارداری خانم دارد!

علاوه بر این، ماده‌ها برای به دست آوردن بهترین نرها از ترفندهای مختلف برای تبلیغ باروری‌شان استفاده می‌کنند. از سروصداهای برانگیزاننده جنسی تا بوهای معطر یا متورم شدن اندام‌های جنسی (که گویا باعث می‌شود رژلب شرکت‌های آرایشی مختلف عمدتاً قرمز انتخاب شوند) این امر باعث می‌شود نرها برای جفت‌گیری به رقابت پردازند و تمایل به انحصارطلبی زن داشته باشند؛ زیرا اگر مردی تمام انرژی، زمان و ثروتش را صرف زنی کند که با مردان دیگر نیز در ارتباط است، آن وقت ممکن است روی فرزند مرد دیگری سرمایه‌گذاری کرده باشد و از هدف ژنی خود باز بماند. [۱۶] این امر می‌تواند نشان دهد که چندشوهری ممکن است منافع مرد را به خطر بیندازد، زیرا زمانی که زن روابط متعددی داشته باشد پدر مشخص نیست؛ درحالی‌که مادر فرزند مشخص است زیرا او را به دنیا می‌آورد. [۹]

حتی در دنیای امروزی نیز شاهد این اثرات ژنی هستیم و زنانی را می‌بینیم که با آرایش و لباس‌هایی بدن‌نما به‌طور ناخودآگاه بین مردان رقابت ایجاد می‌کنند، یا به بیانی دیگر تبلیغ باروری خودشان را می‌کنند. شاید بتوان گفت برای همین زن‌ها در تلاش‌اند تا همواره جوان‌تر و زیباتر به نظر برسند. شاید شنیده باشید که می‌گویند سن خانم‌ها را نپرسید. خب البته این صحنه رقابتی که زنان برای مردان به پا می‌کنند خیلی هم به مذاق آقایان خوش نمی‌آید و به رگ غیرت مردانه‌شان برمی‌خورد. همان‌طور که می‌بینید در مورد غیرت مردانه هم پای یک ژن در میان است. البته این رفتار خانم‌ها می‌تواند به ضرر خودشان نیز تمام شود، زیرا ممکن است مرد اطمینان حاصل نکند که جفتش فرزند او را و نه کس دیگری را به دنیا خواهد آورد؛ در نتیجه از او و فرزندش محافظت نمی‌کند.

با اهلی کردن دام‌ها و آغاز کشاورزی، موقعیت زنان به خطر افتاد. فرایند مالکیت زمین گسترش یافت و مشاغلی پدید آمد که به زور بازو نیاز

## گذار از چندهمسری به تک‌همسری

قبل از اینکه درباره این مسئله صحبت کنیم که انسان‌ها چگونه در طول تاریخ تکاملی خود تصمیم گرفتند تا به یک شریک عاطفی جنسی وفادار باقی بمانند، می‌خواهم یک سؤال مطرح کنم: **ایا شما هم تصور می‌کنید چندهمسری**

### اثبات می‌کند که میل جنسی زنان در برابر

### مردان ناچیز است؟! تقریباً می‌شود گفت نه‌تنها

جمعیت مسلمان بلکه باور عموم مردم این است که آمیزش جنسی خدمتی است که زنان به مردان عرضه می‌کنند! زنان نجیب و بهترین مادران همواره با چیزی به نام میل جنسی بیگانه‌اند و در عوض مطیع و خدمتگزار شوهران هستند. به عقیده من، یکی از دلایلی که باعث شده بیشتر مردم تصور کنند زن جنس دوم و برای خدمت و کامیابی مرد آفریده شده است، همین مسئله میل جنسی است. اما باید یادآور شد

### که تفاوت زنان و مردان در میزان میل جنسی

### نیست، بلکه در استراتژی‌هایی است که آنان

### در برابر میل جنسی خود به کار می‌گیرند. البته

زنان علاوه بر داشتن استراتژی‌های متفاوت برای ایجاد رابطه، در طول تاریخ مادرانی از خود گذشته بودند که میل جنسی خود را فدای بقای ژن‌های آیندگان‌شان کردند.

از آنجاکه ظرفیت تولیدمثلی زنان محدود اما گران‌بهاست، زنان اجدادی ما این سرمایه ارزشمند را با جفت‌گیری‌های تصادفی هدر نمی‌دادند. در واقع، برای آنها کیفیت رابطه عاطفی جنسی بسیار مهم‌تر از کمیت آن -یعنی تعداد شریک‌های جنسی- بود. در حقیقت، زنی که دارای بیشترین نوزاد بقایافته باشد، پیروز عرصه تولیدمثل است و به هدف ژنی خود دست پیدا کرده است. بنابراین برای انتخاب شریک عاطفی جنسی خود باید بیشترین دقت لازم را به خرج دهد و مردی را انتخاب کند که احتمال سرمایه‌گذاری‌اش بر منابع زن (تخمک) بیش از سایر مردان است. زنان باید به دنبال مردانی وفادار و قدرتمند باشند که بتوانند در طول دوران بارداری و پس از زایمان، از آنان و فرزندانشان مراقبت کنند و برایشان آذوقه فراهم آورند تا بقایشان حفظ شود. در مقابل، مردان نیاز به نه ماه انتظار ندارند تا صاحب فرزند شوند و در این مدت برای قطعیت پدری‌شان می‌توانند به دنبال زنان دیگری بروند

کند... میان جنس مذکر و مؤنث در نوع بشر، در طول این مسیر تکاملی چه چیزی حاصل شده است؟

جنس مذکر در طبیعت، به جنس مؤنث مکانی امن برای زندگی کردن برای دوری جستن از شکارچی‌ها و غذایی به‌عنوان بیعانه‌ای برای فداکاری و وفادار بودن پیشکش می‌کند تا موافقت جنس مؤنث را به دست بیاورد.

اما در این دوران کنونی، ما می‌توانیم بسیاری از رفتارهای دیگر را شاهد باشیم؛ رفتارهایی که در ظرف همان «غرض» ریخته شده و شکل گرفته‌اند؛ یعنی تلاش جنس مذکر برای اینکه خودش را به‌عنوان شخصی وفادار به جنس ماده عرضه کند و اینکه تنها با او [زندگی را] ادامه خواهد داد. و در عین حال همواره بقیایی [ژنتیکی] وجود دارد که جنس مذکر را به سوی انتشار دادن ژن‌هایش و پایبند نبودن به یک مؤنث فرامی‌خواند.»

اما چرا رسول الله ﷺ در زمان ظهور اسلام به جای ترویج تک‌همسری که تضمین‌کننده مساوات میان زنان و مردان بود، به چندهمسری تشویق کردند تا جایی که حتی برای تشویق به ازدواج‌های متعدد بیشترین تعداد همسران را نسبت به مردان زمانه خود اختیار کردند؟! آیا رسول الله ﷺ به احساسات پایمال‌شده زنان بی‌اهمیت بود؟ اگر پیامبر اسلام ﷺ هم که برترین خلق خدا و اشرف مخلوقات است زن را به دیده غنیمت جنسی می‌نگرد، پس چه کسی می‌تواند حامی حقوق ما زنان باشد؟! آیا باید قبول کنیم که اسلام نیز دین مردانه و مردسالاری است؟

### سرآغاز اسلام و چندهمسری

احتمال می‌دهم با پدیده دردناک زنده‌به‌گور کردن دختران در دوران جاهلیت یعنی پیش از ظهور اسلام آشنا باشید و امیدوارم دو اصطلاح «نکاح رهط» و «زنان صاحب پرچم‌های سرخ» نیز به گوشتان خورده باشد. ازدواج یا نکاح رهط نوعی از چندشوهری در زمان جاهلیت بوده است. در این نوع ازدواج، گروهی از مردان که نباید بیشتر از ده نفر می‌بودند با یک زن رابطه برقرار می‌کردند و اگر فرزندی به دنیا می‌آمد، آن زن فرزندش را به هریک از مردان که می‌خواست منتسب می‌کرد و او را پدر فرزند خود قرار می‌داد.

داشتند. به این ترتیب زنان مزیت و برتری خود را از دست دادند و انگیزه ازدواج به‌سوی تأمین نیازهای جنسی سوق یافت. [۱۵] بنابراین زن به‌گونه‌ای تکامل یافت که لذت جنسی را در ازای دستیابی به ثروت، توان حفاظت، جایگاه اجتماعی و سایر ارزش‌های مرد که برای او و بچه‌های احتمالی‌اش سودمند خواهد بود مبادله کند. [۱۶] شاید ضرب‌المثل‌های قدیمی نظیر «آردم به جوال باشه، شوهرم شغال باشه» یا «شوهرم شغال باشه، نونم تو تغار باشه» یادآور این انگیزه دیرینه زنان برای ازدواج باشد. در واقع، بقا و دسترسی به ثروت و منابعی که در انحصار مردان بود تبدیل به یک امر حیاتی برای زنان شد. علاوه بر این، برای مردان نیز فرزندآوری رنگ و بویی تازه پیدا کرد؛ زیرا فرزندان به خصوص اگر پسر و قوی‌هیکل بودند عصای دست آنان برای مشاغل یدی (بدنی) می‌شدند. در نتیجه، همه این عوامل دست‌به‌دست هم دادند و بازار چندهمسری و البته مردسالاری را گرم‌تر از قبل ساختند.

نمی‌دانم آیا شما هم مانند من وقتی به زن در آینه تاریخ نگاه می‌کنید او را ناقص‌العقل (آنچه علمای مدعی دین به آن اعتقاد دارند) می‌پایید یا موجودی صبور، هوشمند و انعطاف‌پذیر! **در گونه انسان‌ها نظام‌های همسرگزینی از برنامه‌ریزی‌های ژنتیکی پیروی می‌کند، ولی به علت ساختار تکامل‌یافته قشر مخ این یادگیری انسان‌هاست که در نهایت بر میراث ژنتیک آنان تاثیر می‌گذارد.** [۱۹] گمان می‌کنم وقت آن رسیده که به زنان اجدادی‌مان که از مغزشان به‌جای زور بازو استفاده می‌کردند تبریک بگوییم.

خب، حالا بیاید مخلص کلام تمامی بحث‌های بالا را از بیان سید احمد الحسن بخوانیم. ایشان در صفحه فیس‌بوکش دربارۀ زیست‌شناسی تکاملی، ژنتیک و تعدد زوجات می‌نویسند:

«جنس مؤنث حیوانی (از جمله جنس مؤنث انسان) از آنجا که کلونی‌ای ژنتیکی است، غالباً به دنبال همسری وفادار است تا با او ارتباط برقرار کند؛ اما جنس مذکر حیوانی به دنبال شریک مؤنث می‌گردد تا بپذیرد که او از الطاف و مواهبی که [جنس مؤنث] برای ژن‌های خودش و ژن‌های شریکش عرضه می‌کند سودجویی

می‌کشتند؛ پدیده‌ای که به زنده‌به‌گور کردن دختران معروف بود و علت بروز این پدیده افزون شدن زنان در آن جامعه و دست‌نیافتن بسیاری از آنها به ازدواج و پناه بردن به انجام عمل شهوانی به دور از چهارچوب قانون اجتماعی. مثل ازدواج. بود.

رسول خدا محمد ﷺ قانونی برای سامان‌دهی ارتباط جنسی در چنین جامعه‌ای برای ازدواج قانونمند آورد؛ به‌گونه‌ای که نَسَب‌ها از بین نرود. تعدد همسران را با قانونی اجتماعی به‌صورتی تشریح فرمود که در چنین وضعیت اجتماعی نامتعادلی، کرامت زن را تضمین نماید؛ به‌طوری که زن کالایی. مثل دارندگان پرچمی که پیش‌تر گفته شد. برای دست‌به‌دست شدن میان مردان نباشد؛ بلکه به‌عنوان همسر محترمی برای یک مرد تلقی شود که از حقوق قانونی برخوردار است.

قانون تعدد همسران که رسول خدا محمد ﷺ آورد، تأثیر بسزایی برای حل این پدیده اجتماعی روزافزون از خود برجای گذاشت و فقط در عرض چند سال پدیده زنده‌به‌گور کردن دختران و نیز پدیده زنان با پرچم‌های قرمز مَحْو شد. این در خصوص قانون‌گذاری رسول خدا حضرت محمد ﷺ برای تعدد همسران در راستای حل مشکلی اجتماعی، یعنی فراوان بودن آمار زنان در آن جامعه بود.

اما در خصوص عملکرد شخصی آن حضرت (صلوات خدا بر او) علتش این بود که بیشتر مردها از ازدواج با چند همسر به دلیل سختی زندگی، تأمین غذا و مشکلات دیگر، خودداری می‌کردند و اقدام رسول خدا به ازدواج با چند زن آن هم با وجود دارایی کم آن حضرت. تشویقی برای دیگران بود و این عملکرد آن حضرت از حد و مرزهای زندگی اجتماعی محیطی که در آن زندگی می‌کرد خارج نبود؛ محیطی که بر مردانی که در آن بودند لازم می‌گرداند با چند زن ازدواج کنند تا معضل نسبت زیاد بودن زنان به مردان به‌صورتی اخلاقی. حل شود و نیاز بیولوژیکی جنسی زن برطرف، و کرامتش با ازدواج متعدد، حفظ شود.

**با این توضیح معتقدم اشکال گرفتن به مردی که با هفت زن ازدواج کرده، درحالی‌که در محیطی زندگی می‌کند که نسبت زنان به مردان هفت به یک است، از مصادیق سفاهت**

[۲۰] زنان صاحب پرچم‌های سرخ یا زنان صاحب رایه نیز زنان بدکاره یا کنیزانی بودند که در دوره جاهلیت برای خود یا اربابانشان از راه فحشا درآمد کسب می‌کردند و برای شناسایی راحت‌تر بر سردر خانه‌های خود پرچمی سرخ‌رنگ برمی‌افراشتند و به همین نام نیز مشهور شدند. این زنان نیز اگر بچه‌ای را به دنیا می‌آوردند به نظر قیافه‌شناس مراجعه می‌کردند و فرزند را به فردی منتسب می‌کردند. [۲۱] خب البته اگر فرزند پسر بود بر سر به دست آوردن آن درگیری رخ می‌داد و اگر دختر بود احتمالاً توسط مردان به همان سرنوشت شوم دختران معصوم دیگر مبتلا می‌گشت.

اکنون که شما خواننده گرامی با هدف ژنی و اساس زیست‌شناسی تکاملی کاملاً آشنا شدید، می‌توانید به راحتی حدس بزنید که انسان دوران جاهلیت در چنین عرصه تکاملی محکوم به شکست بود؛ زیرا زنان ممکن بود قبل از اینکه جفت وفاداری را بیابند سرمایه خود را با عشق‌بازی‌های زودگذر تباه کنند. نَسَب‌های مردان نیز نامشخص بود و ممکن بود فرد سرمایه و انرژی‌اش را برای بزرگ کردن فرزند مرد دیگری هدر دهد.

از سوی دیگر، در آن دوران مردان بسیاری جان خود را در جنگ‌ها و راهزنی‌ها از دست می‌دادند، درحالی‌که زنان اغلب یا خانه‌نشین بودند یا اینکه به اسارت برده می‌شدند و طبیعتاً از این کشتارها جان سالم به در می‌بردند. جالب است بدانید که این امر باعث شده بود تعداد زنان به مردان تقریباً هفت بر یک باشد. خب، متأسفانه باید بگویم عرب جاهلی که برایش دختر نه نیروی کار محسوب می‌شد و نه می‌توانست در این بازار بی‌شوه‌ری وی را به خانه بخت بفرستد و از همه بدتر احتمال داشت دخترش به فحشا کشیده شود و آبرویش را بر باد دهد، راه حل خشنونت‌آمیزتر و غیرانسانی‌تر از زنده‌به‌گوری به ذهنش نرسید! اما رسول الله ﷺ چه چاره‌ای برای این فاجعه اندیشیدند؟! اگرچه می‌دانم تاکنون پاسخ این پرسش را حدس زده‌اید، اما از آنجاکه بسیاری از مردم از روی ناآگاهی یا دشمنی، معمای چندهمسری پیامبر عظیم‌الشأن اسلام را بارها به رخ مسلمانان می‌کشند، می‌خواهم از زبان نماینده رسمی ایشان ﷺ در زمان حال حاضر یعنی سید احمد الحسن. پاسخ آن را ارائه کنم:

**«... بسیاری از مردها دختران خود را در خردسالی**

را می‌خراشد ایراد بگیریم؟! آیا گمان می‌کنید زن عرب اجازه داشت که احساس داشته باشد؟! جایی که زخم‌های کاری به روح یک زن وارد شده است، ابتدا چنین خراش‌هایی توجه وی را به خود جلب نمی‌کند، درحالی‌که باید خون دل می‌خورد و دم بر نمی‌آورد. شاید آن زمان که پیامبر اسلام ﷺ چنین حق و حقوقی را به زن می‌داد، آن جامعه زنان خوشبختی که به اسلام پناه آورده بودند به ذهنشان هم خطور نمی‌کرد که روزی زنی در قرن بیست و یکم جسارت به خرج داده و به همسری که سرش هوو آورده است اعتراض کند! یا پیامبری را که بیش از یک زن گرفت آه و نفرین کند!

آری، حضرت محمد ﷺ به زنی کرامت بخشید که تا پیش از آن حتی توان محافظت و درآغوش گرفتن نوزاد محکوم به مرگش را نداشت... زنی که هنوز از شدت دردهای زایمان آرام نگرفته، باید درد جانکاه ذبح احساسات مادرانه‌اش را به جان می‌خرد... بنابراین اصلاً گمان نکنیم زمانی که اسلام ظهور کرد زنان در برابر قانون چندهمسری قد علم کردند و اسلام را محکوم کردند که این چه بی‌عدالتی است که در حق ما روا داشته‌اید! اما همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان کردم چندهمسری در دوران کنونی ما آسیب‌های فراوانی را به دنبال دارد. در واقع، داروی نجات‌بخش زنان اجدادی ما اکنون زهری است که به جان ما زنان امروزی می‌ریزند. اما آیا پیامبر اسلام ﷺ زنان و حتی مردان زمانه ما را که زیر سایه چندهمسری آسایش را تجربه نمی‌کنند. فدای زنان جامعه خود کرده است؟! قطعاً این از انصاف به دور است. می‌دانید این مشکل از کجا آب می‌خورد؟ از آنجایی که اصل و اساس دین این است که در هر جامعه دینی حاکم نیز باید منتخب دین باشد تا براساس شرایط زمانه خودش حکومت کند [۲۳] و اگر این اصل رعایت نشود قطعاً در جامعه به مشکل برمی‌خوریم. پیامبر ﷺ برای دوران پس از خود و از جمله زمانه ما وصیت ارزشمند خویش را به یادگار گذاشته‌اند و تأکید کرده‌اند که راه برون‌رفت از سرگردانی چنگ زدن به وصیت ایشان ﷺ است؛ [۲۴] زیرا در آن وصیت جانشینان خود را تا زمانه ما معرفی کرده‌اند. اما سؤال اساسی این است که آیا ما به جانشین پیامبر برای حل مشکلات جامعه مراجعه کرده‌ایم یا نه؟! بنابراین وقت آن رسیده

**و بی‌خردی است؛ زیرا شما در قرن بیست و یکم در جامعه‌ای زندگی می‌کنی که نسبت زنان به مردان یک به یک است و بیشتر مردان با یک زن ازدواج می‌کنند. ازدواج شما با هفت زن در زمان خودت و در جامعه خودت اشتباه است و ازدواج آن مرد نیز با یک زن در زمان و جامعه خودت درست نبود و حتی خطایی بزرگ‌تر بود و ویران‌کننده جامعه محسوب می‌شد؛ زیرا مسبب پدیده‌هایی مثل زنده‌به‌گور کردن دختران و زنان پرچم‌دار می‌شد.» [۱۵]**

بنابراین از دیدگاه اجتماعی، قانون چندهمسری و اقدام پیامبر اسلام (ص) برای به همسری گرفتن چند زن در آن زمان نشان‌دهنده اوج حکمت در دین الهی است. البته ناگفته نماند که چهار همسر برای مردانی که به اشکال مختلف و بدون سرمایه‌گذاری و هزینه زیادی از زنان کام می‌گرفتند برای خودش قطعاً یک محدودیت و مانعی برای شهوت‌رانی محسوب می‌شد!

بنابراین، اگر با تمام این توضیحات هنوز هم به راه‌حلی که رسول‌الله ﷺ پیش پای جامعه قرار دادند اعتراض دارید، پیشنهاد می‌کنم حتماً سری به تاریخ دوران جاهلیت بزنید. دورانی که مردان عرب جاهل، زانی را که به کنیزی می‌گرفتند به یکدیگر قرض یا کرایه می‌دادند، یا اینکه همسرانشان را با یکدیگر معاوضه می‌کردند. زنان با مرگ شوهرانشان همراه با سایر اموال به ارث می‌رسیدند یا به جای مهریه مبادله می‌شدند. آیا تمامی این‌ها تجاوز به جسم و روح زنان نبود؟ زنان عرب، وفاداری مرد را به خواب هم نمی‌دیدند... و شاید در تخیلشان هم نمی‌گنجید روزی برسد که دختران برای انتخاب مرد زندگی‌شان حق انتخاب داشته باشند. [۲۲] دردناک‌تر از همه این‌ها هم که زنده‌به‌گوری نوزادان بی‌گناه بود... .

**کافی است تصور کنید** در زمانه ما شوهری زیرپای زنی را که پس از نه ماه بارداری با درد و رنج فراوان زایمان می‌کند، گودالی حفر کرده است تا اگر نوزاد دختر باشد، آن گودال را تبدیل به گورش کند. به عنوان یک غریبه و نه یک مادر می‌توانید دیدن چنین صحنه‌ای را تحمل کنید؟! به خدا که محال است صدای گریه آن نوزاد را تا آخر عمرتان فراموش کنید... ما در زمان آغاز اسلام نبوده‌ایم، اما چطور می‌توانیم بدون درک شرایط آن زمان به قانون چندهمسری که روح لطیف زنانه‌مان

همسرش رود، زیرا نظیر آنچه دیده است در همسر خود او نیز هست، پس شیطان را به دل خود راه ندهد و چشم خود را از آن زن برگرداند؛ و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز بخواند و بسیار حمد خدا گوید و بر پیامبر و آل او صلوات فرستد و آنگاه از خداوند درخواست کند که از فضل خویش [همسری] عطایش فرماید، خداوند هم از روی مهر و رأفت خود نیاز او را برطرف می‌سازد.» [۲۹] آیا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند به خواستگاری آن زن برو تا وارد گناه نشوی یا مرد را تشویق می‌کند که از او فاصله گرفته و به سوی همسرش بازگردد؟! نمی‌دانم اسلام دیگر با چه زبانی باید از حقوق ما زنان امروزی که خواستار وفاداری همسرانمان هستیم دفاع کند؟! در نتیجه، بد نیست مردانی که به دلیل اعتقادات مذهبی به چندهمسری گرایش پیدا می‌کنند، کمی در اصل اسلام تحقیق و تفکر کنند. با اطمینان می‌توانم بیان کنم که اگر در صحبت کردن، نگاه کردن و برقراری رابطه با جنس مخالف به دستورات اسلام عمل کنیم آمار چندهمسری و صدالبته خیانت‌های زناشویی - که جزو روابط نامشروع قلمداد می‌شوند - نزدیک به صفر می‌رسد.

نگاهی به جامعه کنونی که در آن زندگی می‌کنیم کافی است به ما اثبات کند که علمای دین اسلام را وارونه به خوردمان داده‌اند. اینان که از ترس شهوت مردان، زنان را در پستوی خانه نهان می‌کنند و با اجبار چادر بر سر زنانی می‌کشند که در کشمکش اجبارهای تاریخ از پای درآمده‌اند و چندهمسری را علی‌رغم آسیب‌های آن ترویج می‌کنند، بازماندگان دوران جاهلیتی هستند که به شیوه‌ای نوین بر طبل رسوایی خویش می‌کوبند.

### سخن پایانی

زنان رنج‌کشیده تاریخ برای بقای بشریت خون‌جگرها خوردند؛ اما درست زمانی که مردان اجدادی‌مان را تاریخچه تکاملی و ژن‌های خود خواهی چنان مسخ کرده بود که احساسات زنانه را سرمی‌بریدند، مردی از جنس انسان، تکیه‌گاهی برای خستگی‌های زن در مصاف با تاریخ جاهلیت شد. چندهمسری ارمغان اسلام نیست. اسلام برای زن دین نیست بلکه پناهگاهی است که به او امان می‌دهد. سال‌ها به ما دروغ گفته‌اند که اسلام دین مردسالاری است،

است که ما نیز با اسلام از در انصاف وارد شویم. نظام همسرگزینی در بازگشت اسلام شاید برایتان جالب باشد که از نظر من اتفاقاً اسلام مدافع تک‌همسری است و چندهمسری را در شرایط خاصی تجویز می‌کند و قطعاً در آن شرایط خاص، این امر از آسیب‌هایی جلوگیری می‌کند که مضرات آن در مقابلش ناچیز شمرده می‌شود. آیا می‌توانیم بگوییم فرد مریضی که تومور مغزی دارد تحت عمل جراحی قرار نگیرد، چون داروی بیهوشی عوارض فراوانی به دنبال دارد؟ البته که خیر؛ زیرا در چنین شرایطی نجات جان آن فرد قطعاً مهم‌تر از عوارض داروی بیهوشی خواهد بود. بنابراین نجات یک جامعه مریض هم در برابر آسیب‌های چندهمسری باید در اولویت قرار بگیرد.

### اما شاید برایتان جالب باشد چطور می‌خواهم اثبات کنم که اسلام مدافع تک‌همسری است!

مهم‌ترین دلیلی که می‌خواهم به آن اشاره کنم وجود مرزهایی است که اسلام بین زن و مرد نامحرم قرار می‌دهد. پیش‌تر هم بیان کردم در زمانه ما چندهمسری ممکن است از یک رابطه عاطفی خارج از چهارچوب خانواده سرچشمه بگیرد؛ اما اگر مردان و زنان به دستورات دین پایبند باشد اصولاً چنین رابطه عاطفی شکل نخواهد گرفت تا به ازدواج دوم ختم شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «فرو بستن چشم‌ها [از نامحرم]، بازدارنده خوبی از شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی است.» [۲۵] و حتی این عمل را از برترین عبادت‌ها برمی‌شمارند. [۲۶] اسلام در این زمینه آن‌چنان سخت‌گیرانه عمل می‌کند که مردان را حتی از نگاه به موی زن نیز منع کرده است. [۲۷] پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «کسی که چشمان خود را از نگاه حرام به زنی پُر کند، خدای بزرگ و بلندمرتبه در روز قیامت چشمان او را با میخ‌های آتشین پر کرده و از آتش انباشته می‌سازد تا حساب مردم به پایان رسد، آنگاه فرمان می‌دهد که او را به آتش جهنم برند.» [۲۸] **آیا می‌توان گفت اسلام با چنین مرزهایی که قرار داده است مدافع حقوق تک‌همسری نیست؟! آن‌قدر احادیث و احکام در خصوص مرزبندی بین زن و مرد بسیار است که از حوصله این بحث خارج است.**

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «هرگاه فردی از شما زنی را دید و به شگفت آمد به نزد

### منابع و پی‌نوشت

۱. رحمانیان ملیحه، ظهیری‌نیا مصطفی، رستگار یاسر. مطالعه‌ی پدیدارشناختی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان در خانواده‌های چندهمسر. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. دوره ۲۱، شماره ۴ - شماره پیاپی ۷۷، دی ۱۴۰۲.

۲. ابن‌ابی‌جمهور. عوالي اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة. ج ۱، ص ۲۷۷ ح ۱۰۶ و ج ۴، ص ۱۱۴، ح ۱۷۷.

۳. عرب سعید، دانشمند بدرالسادات، پودینه زهرا، ثامتی ناهید، میرگل احمد، باباخانلو اشرف. بررسی میزان بهزیستی روان‌شناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی در بین خانواده‌های چند همسری و تک‌همسری. مشاوره و روان‌درمانی خانواده.



۴. اسمعیلی قاسم، افشانی سیدعلیرضا، فلاح محمدحسین، وزیر سعید. کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی.



۵. اسعدی، خانواده و حقوق آن، ۱۳۸۷ش، ص ۳۱۶-۳۲۳؛ طباطبائی، تعدد زوجات و مقام زن در اسلام، بی‌تا، ص ۴۰.

۶. جاوید محمدجواد. از فرهنگ چندهمسری تا حقوق چند همسری. زن در فرهنگ و هنر دوره ۲ پاییز ۱۳۸۹ شماره ۱.

۷. عنایت حلیمه، قلیچی گلاره. دلایل چندزنی در نظام معنایی زن دوم (مطالعه موردی شهرستان ملکشاهی استان ایلام) جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر. زمستان ۱۳۹۹. شماره ۴.

۸. عرب سعید، دانشمند بدرالسادات، پودینه زهرا، ثامتی ناهید، میرگل احمد، باباخانلو اشرف. بررسی میزان بهزیستی روان‌شناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی در بین خانواده‌های چند همسری و تک همسری. مشاوره و روان‌درمانی خانواده



۹. سلطانی رنانی محمد. بررسی شرایط و زمینه‌های جواز چندهمسری در قرآن کریم.

۱۰. محمدی نعیم، آسکانی خان محمد. مطالعه سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرباز. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)



The Case of firdt" (۲۰۰۵) AL-Sherbiny, Ahmad [۱۱] .A wife in polygamy". Arab Psynet Journal. NO ۲۶-۱۸:November. PP

The (۲۰۰۷) .Elbedour, S., Bart, W., & Joel, H [۱۲]

که در اسلام مردان می‌توانند هم خدا را داشته باشند و هم خرما را، که زنان جنس دست دومی هستند که برای مرد غنیمت جنسی محسوب می‌شوند. دروغ گفته‌اند... همان کسانی که قوانین چندهمسری در اسلام چنان اغوایشان کرده است که هنوز هم در قرن بیست و یکم آن را تبلیغ می‌کنند و با چنگ و دندان به این قانون و نه احکام دیگر اسلام پایبندند.

حکایت علمای امروزی حکایت آن مردی است که زنش هر روز نماز صبح او را بیدار می‌کرد. مرد که اصلاً دلش نمی‌خواست از خواب نازش دست بکشد، به زنش گفت: «بس است دیگر مرا بیدار نکن خودت تنها نماز بخوان.» زن به او گفت: «نماز دستور دین است!» مرد در جواب با لحن تهدیدآمیزی گفت: «گرفتن چهار زن هم برای من دستور دین است...» زن که جوابی برایش نداشت گفت: «دستورات دین را رها کن... بخواب عزیزدلم بخواب...»

در پایان چه می‌توانم بگویم جز اینکه ای کاش ما زنان از اسلام کینه نکنیم؛ زیرا اسلام ناجی مادران و دختران تاریخ بوده است؛ و ای کاش مردانی که به ازدواج‌های متعدد تصمیم می‌گیرند به چالش‌ها و آسیب‌های چندزنی که دامن‌گیر تمام خانواده خواهد شد، آگاه شوند و حجت زمان خود را الگوی انسانی خویش قرار دهند. کلام سید احمدالحسن به وضوح به ما نشان می‌دهد چندهمسری در دنیای کنونی -که نسبت زنان به مردان تقریباً برابر است- دنیاطلبی محسوب می‌شود؛ زیرا ایشان در پاسخ به سؤال «آیا امکان دارد که احمدالحسن طالب دنیا باشد؟» این‌گونه پاسخ می‌دهند:

«...چه بسا برخی از آنان، دنیا را با بازداشتن شهوت جنسی خود طلب کنند. درحالی‌که من پیش از دعوت، فقط بایک همسر ازدواج کردم که مادر فرزندانم است و فردی به‌جز او را در زندگی‌ام نمی‌شناسم؛ چه با ازدواج دائم و چه موقت، پس طلب دنیا در این مسئله کجاست؟» [۳]



در چهره‌اش دیدم، شما صبر کن تا من نزد او بروم و برگردم. آن حضرت وارد بر فاطمه (علیها السلام) شدند و فرمودند: ای فاطمه! حضرت زهرا (سلام الله علیها) عرضه داشتند: لَبِیکَ یا رسول الله! فرمود: علی بن ابی طالب کسی است که تو قرابت و فضیلت و سبقت در اسلام او را می‌دانی، من از خدای سبحان خواسته‌ام که تو را برای بهترین و محبوب‌ترین خلق خود تزویج کند. علی درباره ازدواج با تو با من صحبت کرده است، تو چه صلاح می‌دانی؟ فاطمه (علیها السلام) ساکت شد و صورت خود را از پیامبر خدا بر نگردانید. رسول خدا رضایت فاطمه را از صورتش دریافت، لذا برخاست و فرمود: الله اکبر! سکوت فاطمه دلیل بر رضایت اوست



۲۳. امام صادق (علیه السلام) خطاب به مفضل فرمودند: به درستی که من تو را خبر می‌دهم که دین و ریشه دین همانا مردی است و آن مرد همان یقین و همان ایمان و او همان امام امت خود و (امام) و اهل زمان خود است. پس کسی که او را شناخت، خدای و دینش را شناخته و کسی که او را انکار کرد، خدای و دینش را انکار کرده و کسی که نسبت به او نادان بود، نسبت به خدای و دینش جاهل است، دین خدا و احکام و شریعتش تنها با آن امام شناخته می‌شود. (بحار الانوار، جلد ۲۴، صفحه ۲۸۶).

۲۴. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتاب «وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی» نوشته سیداحمدالحسن مراجعه کنید.



۲۵. عبدالواحد تمیمی آمدی. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲۶. حسین الطباطبایی البروجردی. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۲۷. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: بر مؤمنان حرام است که به موی زنان شوهردار و غیر شوهردار نگاه کنند چراکه موجب تحریک شهوت و کشیده شدن به فساد می‌شود. (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۴).

۲۸. مجلسی محمدباقر بن محمدتقی. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۶.

۲۹. مجلسی محمدباقر بن محمدتقی. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۳۰. سید احمد الحسن، در محضر عبد صالح. ج ۲، ص ۱۱۵.



relationship between monogamous/ polygamous family structure and the mental health of Bedouin - Arab adolescents. Journal of Adolescence ۳۰، ۲۱۳-۲۳۰.

۱۳. ابراهیمی خیرآبادی جواد، محمدی نعیم، ناظرزاده کرمانی فرناز. بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به موقعیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسر. خانواده‌پژوهی، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۶. ۱۴. سید احمدالحسن. پاسخ های فقهی مسائل متفرقه، ج ۴، ص ۷۹-۹۱.



۱۵. پیام منتشر شده در صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمد الحسن، به تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۹.



۱۶. ریان کریستوفر، جفا ساسیلا. سرشت جنسی انسان: فراز و نشیب روابط جنسی از ماقبل تاریخ تا امروز. ۱۳۹۱. جفا: ترجمه مهید مهدیان. ۱۷. دشتیان سوده، زارع شیوا، خرم دل کاظم. چندهمسری و پیامدهای روانی-اجتماعی آن برای زنان (یک مقاله مروری سیستماتیک مبتنی بر تبیین‌های زیست-روانی تکاملی). روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت.



۱۸. دشتیان سوده، زارع شیوا، خرم دل کاظم. چندهمسری و پیامدهای روانی-اجتماعی آن برای زنان (یک مقاله مروری سیستماتیک مبتنی بر تبیین‌های زیست-روانی تکاملی). روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت.



۱۹. عارف نظری مسعود، مظاهری محمدعلی. سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری - تک همسری). خانواده‌پژوهی



۲۰. منتظری مقدم حامد. گونه‌های ازدواج در عصر جاهلی. تاریخ اسلام در آینه پژوهش زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۸، صفحات ۱۲۷-۱۵۶.

۲۱. جواد علی. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. دار العلم للملایین. ۱۳۹۱. ج ۹، ص ۱۳۹.

۲۲. در برابر اعرابی که دختر را ننگ می‌دانستند و حقی برای انتخاب سرنوشت خود نداشتند، رسول الله (صلی الله علیه و آله) نظر حضرت فاطمه (علیها السلام) را می‌پرسیدند و این اوج روشن‌فکری ایشان (علیها السلام) است. از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که به نزد رسول الله (صلی الله علیه و آله) رفتند و فرمودند: یا رسول الله، فاطمه را به ازدواج من در می‌آوری؟ فرمود: یا علی، قبل از تو چند نفر از مردان این تقاضا را داشتند، ولی هر یک را به فاطمه گفتم کراهت و ناخشنودی را

# کودکی که مادری را تمرین می‌کند!!

ریشه‌های کودک همسری در اسلام و  
داستان عروس ۹ ساله خانۀ پیامبر ﷺ

نوردخت مهدوی

## مقدمه

نگاهش کردم؛ سنش کم بود؛ کوچک بود؛ کودک بود؛ آرایشی غلیظ داشت؛ روی تابی نشسته بود؛ تابی که او را گاهی به زمین نزدیک می‌کرد و گاهی به آسمان. خنده‌هایش و نگاه معصومانه‌اش هنوز در ذهنم هیاهو می‌کند. گاهی دلواپسی به سراغش می‌آمد. نگاهم به کودک دو ساله‌ای جلب شد که با سنگ‌های کنار همان تاب، بازی می‌کرد. دختر دو ساله فرزند همان کودک روی تاب بود. به راستی تو چه وقت کودکی‌ات را تبدیل به مادری کردی؟ چه کسی لباس کودکی را از تو گرفت و قبای مادری بر تنت پوشاند؟! زود بود برای زنانگی؛ اما به هر حال، این کودک نوری یکی از قربانیان کودک همسری بود. آری، کودک همسری!!

به راستی چه کسی مجوز کودک همسری را صادر کرده است؟ اسلام؟ خدای اسلام؟ پیامبر اسلام؟ ادیان ابراهیمی؟

وقتی این واژه به گوش می‌رسد، می‌گویند: وقتی پیامبر شما (محمد مصطفی ﷺ) با دختری ۶ یا ۹ ساله ازدواج

خاندان اوست؛ چراکه آنان از مکه یا همان «فاران» آمده‌اند؛ به این خاطر که مکه از تهامه و تهامه از یمن یا تیمان است. [۳] اکنون می‌توان پرسید که چرا گفته شده خدا از تیمان آمد؟ پاسخ این است که محمد ﷺ «الله در خلق» و لاهوت مقید [۴] است که وجودش قائم به لاهوت مطلق است؛ یعنی مخلوقی است که آکنده از صفات خالق خویش است و هرکه او را ببیند گویا خدا را دیده، همچنان‌که در دعای سمات می‌خوانیم: «... و به ظهور پرفروغ در فاران...» [۵]

علاوه بر شهادت‌ها و نصوص مکتوب فرستادگان و کتاب‌های مقدّس، خداوند نیز مستقیماً بر حقانیت و رسالت او شهادت می‌دهد و این معرفی‌نامه حضوری و نص ملکوتی الهی در صدر شهادت‌دهندگان به محمد ﷺ قرار می‌گیرد، چنان‌که باری تعالی فرموده: **وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ** (و کسانی که کافر شدند می‌گویند: تو فرستاده نیستی. بگو کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد). [۶] خداوند خودش را شهادی بر محمد ﷺ قرار می‌دهد و کدام گواهی را بالاتر از این می‌شناسید؟! او چنان گسترده و عیان بر حقانیت رسولش محمد ﷺ شهادت می‌دهد که کافر و مؤمن از این شهادت الهی (رؤیای صادق) بهره‌مند بوده‌اند. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب «عقاید اسلام» [۷] سید احمد الحسن، مبحث «خلافت محمد (ص)» مراجعه کنید. همچنین برای درک بایسته معنای شهادت و معرفی‌نامه کتبی (وصیت‌نامه) و شفاهی خداوند (رؤیای صادق)، به فصل‌های آغازین همین کتاب مراجعه کنید.

### ازدواج محمد (ص) با عایشه

در سال‌های اخیر فضای مجازی پر شده از جسارت‌هایی به رسول‌الله ﷺ. هرچا بحث کودک‌همسری گشوده می‌شود، بی‌درنگ آن را به ازدواج محمد ﷺ با عایشه دختر ابی‌بکر پیوند می‌زنند؛ از رسانه‌های اسلام‌ستیز گرفته تا شخصیت‌های کم‌اطلاعی که بیش از آنکه بخوانند و بدانند سخن می‌رانند. به‌راستی آیا محمد مصطفی ﷺ، مخلوق اول و

کرده (منظورشان عایشه است)، خودش این مجوز را به مردان دیگر هم داده؛ و بوالهوسان مسلمان‌نما چقدر مشتاق احیای این سنت موهوم و ساختگی‌اند!!

در این مجال مختصر قصد داریم به قضیه کودک‌همسری پردازیم و این سوالات را پاسخ بگوییم که:

آیا اسلام مجوز کودک‌همسری را صادر کرده؟  
آیا محمد ﷺ با کودکی ۹ ساله ازدواج کرده و آن را سنت قرار داده است؟

آیا ممکن است دخترانی در سن ۹ سالگی حق ازدواج شرعی داشته باشند؟

### محمد ﷺ فرستاده خداست

نبوت محمد ﷺ با نصوص دینی در انجیل نزد مسیحیان، و تورات نزد یهودیان ثابت شده است؛ پس فهم نبوت او و بشارت‌های فرستادگان گذشته بر او دشوار نیست، گرچه شاید پذیرش این حق برای بسیاری دشوار باشد: **الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ** (همان‌هایی که از رسول، آن نبی امی پیروی می‌کنند، همان‌که خواهند دید در کتاب‌هایشان تورات و انجیل نامش نوشته شده است). [۱]

در حبقوق، باب ۳ می‌خوانیم: «... خدا از تیمان آمد و قدّوس از جبل فاران... پرتو او مثل نور بود و از دست وی شعاع ساطع گردید. و ستر قوت او در آنجا بود. پیش روی وی وبا می‌رفت و آتش تب نزد پاهای او می‌بود.»  
**تیمان کجاست؟ فاران کدام منطقه است؟**

سید احمد الحسن می‌نویسد: «تیمان یعنی یمن و فاران یعنی مکه. در نتیجه معنای متن بالا [حبقوق، باب ۳] این است: خدا از تیمان آمد؛ خداوند از یمن آمد. قدّوس از جبل فاران: قدّوس از مکه آمد.» [۲]

فردی که از تیمان یا یمن، و فاران یا مکه می‌آید، خداوند متعال نیست (تعالی الله علواً کبیراً)؛ زیرا لازمه رفت و آمد، حرکت است. خداوند متعال جسم نیست که چنین ویژگی‌هایی را داشته باشد (خدا از تیمان آمد... از دست وی شعاع ساطع گردید... آتش تب نزد پاهای او بود). پس او مخلوقی از مخلوقات خداوند است؛ او بنده خدا و فرستاده‌اش محمد و بعد از ایشان

کتاب خدا و سنت من بود، رها کنید.» [۹]  
 «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!»

### سید یمانی تاریخ کارت عروسی عایشه را تصحیح می‌کند

از سید احمد الحسن در خصوص سن عایشه در هنگام ازدواج با رسول الله ﷺ می‌پرسند و ایشان این‌گونه پاسخ می‌دهند:

«پیامبر با عایشه در این سن ازدواج نکرد؛ بلکه او بزرگ‌سال بود.» [۱۰]

بسیار خوب؛ سخن سید احمد الحسن برای انصار امام مهدی (علیه السلام) حجت است و آنان نیاز به دلیل بیشتری ندارند، چون روایت آل محمد ﷺ را از تاریخ کارت عروسی عایشه می‌پذیرند، نه روایت بنی‌امیه را، اما آیا این سخن خردپذیر و اخلاقی را می‌توان به کسانی که هنوز از انصار امام مهدی (علیه السلام) نشده‌اند، اثبات کرد؟

می‌دانیم که مدت دعوت رسول خدا ﷺ ۲۳ سال بوده و شیعه و سنی نسبت به این تاریخ اتفاق نظر دارند.

دکتر علاء سالم می‌نویسد:

«روایت بخاری و مسلم چنین به تصویر می‌کشند که رسول خدا ﷺ با عایشه در سن ۶ سالگی ازدواج کرد و در سال اول هجری در حالی که عایشه دختری ۹ ساله بود با وی هم‌خانه شد؛ و این یعنی تولد عایشه. طبق روایت بخاری و مسلم. در مکه و ۸ سال پیش از هجرت رسول خدا ﷺ یعنی در سال پنجم بعثت بوده است. ولی ما می‌توانیم درستی این نتیجه را با مقایسه آن با تاریخ ولادت و وفات خواهرش به نام «اسماء بنت ابوبکر» ارزیابی کنیم که مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ و سیره بیان کرده‌اند. وی ده سال و چه بسا بیشتر، از عایشه بزرگ‌تر بود.» [۱۱]

دکتر علاء سالم بزرگ‌تر بودن سن اسماء نسبت به عایشه را با نقل قول‌های تاریخی به اثبات می‌رساند. اسماء خواهر عایشه ۲۷ سال قبل از هجرت متولد شد؛ بنابراین با این تفاوت سنی بین این دو، عایشه در آن زمان ۱۷ ساله بوده و وقتی پیامبر با او ازدواج کرد (پایان سال اول یا

عقل اول، کسی که افلاک از برای او و به دست مبارک او آفریده شده، پیشگام در لبیک‌گویی به پروردگار در عالم ذر، رحمة للعالمین، با دختری نابالغ و ناتوان ازدواج کرده و در حق یک کودک ستم روا داشته؟ برای هر ادعا، نیازمند دلیل هستیم؛ پس نخست رواست که دلایل این تئوری دهشتناک را بررسی کنیم:

**تاریخ کارت عروسی عایشه به روایت بخاری و مسلم**  
 بخاری و مسلم در دو کتاب مشهور خود نزد اهل سنت (صحیحین) نوشته‌اند:

«از عایشه (رضی الله عنهما) روایت شده است، گفت: پیامبر ﷺ مرا در حالی که ۶ سال داشتم عقد کرد. ما به مدینه رفتیم و در منزل بنی‌الحرث ساکن شدیم. من گرم‌زده شدم و موی بالای سرم ریخت. مادرم «ام رومان» به سوی من آمد، در حالی که من داشتم با دوستانم تاب‌بازی می‌کردم. مرا صدا زد و به نزدش آمدم در حالی که نمی‌دانستم چه می‌خواهد. او دست مرا گرفت و مرا بر آستانه خانه نگه داشت. من هیچ چیز نمی‌دانستم و تا حدودی آرام بودم. قدری آب برداشتم و به سرو صورتم زدم. سپس [مادرم] مرا داخل خانه کرد. دیدم عده‌ای از زنان انصار در خانه بودند و گفتند: خیر و برکت باشد، و به فال نیک می‌گیریم. او مرا به آن‌ها داد. آن‌ها مرا آراستند، و کسی جز رسول خدا ﷺ از من مراقبت نمی‌کرد. مرا به ایشان سپردند در حالی که من در آن زمان ۹ ساله بودم.» [۸]

**شبهه‌کنندگان، این روایت را دستاویز قرار داده و گریبان دریدند که ای وای، ببینید پیامبر اسلام با دختر ۹ ساله‌ای که تاب‌بازی می‌کند ازدواج کرده؛ و با تأسف فراوان ایشان را با بدترین الفاظ مورد هجمه قرار دادند.**

آیا در حقیقت چنین بوده است؟ بد نیست به حدیثی از رسول مظلوم اسلام، محمد مصطفی ﷺ مراجعه کنیم، بلکه اندکی پرده برداشته شود از شیطنت‌های بازیگران بنی‌امیه:

پیامبر ﷺ فرمود: «کسانی که بر من دروغ می‌بندند، بسیار شده‌اند و بعد از من بسیار خواهند بود، هرکس به عمد بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش خواهد بود. پس چون حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه با کتاب خدا و سنت من موافق بود، بگیرید و آنچه مخالف

بنابراین اگر حکومت به خلیفه خدا داده شود، می‌تواند برای منع ازدواج با دختر در سنی که به‌طور معمول اعضای تناسلی زنانه‌اش کامل نشده باشد قیدهایی را وضع نماید؛ مثلاً شرط کند ضرورتی برای این نوع ازدواج وجود داشته باشد، و اینکه وضعیت جسمانی دختران از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و...؛ به‌طور کلی حلال دانستن این نوع ازدواج در شریعت اسلام - همان‌گونه که بیان شد - دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد؛ بلکه این تشریح تنها بیانگر نهایت سنی است که در آن سن، دختران جوان - در صورت وجود ضرورت - امکان ازدواج پیدا می‌کنند؛ به‌عنوان مثال اگر تصور کنیم فاجعه‌ای روی زمین رخ دهد و تنها اندکی از نوع بشر یا از مؤمنان باقی بمانند، در چنین وضعیتی مسئله ازدواج و زادآوری زود هنگام - با در نظر گرفتن اقدامات احتیاطی - به جهت ضرورت حفاظت از نوع بشر یا حفظ مؤمنان خواهد بود؛ وگرنه احتمال انقراض نوع بشر بیشتر خواهد شد. کسی که نظریه «تکامل» و چگونگی عملکرد مجموعه ژن‌ها را در طبیعت درک می‌کند آنچه را من می‌گویم [به خوبی] خواهد فهمید. در این مسئله به خصوص، اگر ضرورتی برای ازدواج زود هنگام - یا به عبارت دیگر آمادگی جنس ماده نوع بشر برای لقاح در سنین پایین - در محافظت از نوع بشر در ادوار پیشین تکامل «هومو»ها وجود نمی‌داشت، بدن نوع مؤنث به این صورت تکامل نمی‌یافت؛ یعنی به‌صورتی که آمادگی تلقیح در سنین پایین را داشته باشد.

اما درباره اینکه برخی طبق نظر شخصی خودشان این حکم شرعی را پیاده می‌کنند، آن هم بدون ضوابطش و باعث آسیب رساندن به جسم دختران کم‌سن و سال می‌شوند، این خطایی از سوی آنهاست و خطای شریعت نیست. آنها و فقهایشان، نه شایستگی پیاده‌سازی شریعت را دارند و نه حدود آن را به‌صورت کامل می‌شناسند؛ از همین رو خداوند موضوع تطبیق و پیاده‌سازی را بر عهده خلیفه و جانشین خود در زمینش قرار داده است. [۱۸]

## ابتدای سال دوم هجرت) او دست کم ۱۸ ساله بوده است. [۱۲]

سال‌ها این گفته‌های دور از شأن پیامبر ﷺ دهان‌به‌دهان می‌چرخید و افرادی مسلمان نما آن را دستاویز مشروعیت بخشی به ازدواج با کودکان نابالغ قرار می‌دادند. گویا همه این هیاهو از یک اشتباه عمدی در خواندن تاریخ کارت عروسی عایشه رخ داده؛ اشتباهی که البته کمی مشکوک به نظر می‌رسد. این بار هم بنی‌امیه به اشتباه بر رسول الله ﷺ دروغ بستند و مردی از آل محمد ﷺ غبار را از چهره آفتاب کنار زد.

شاید بگویید: فاطمه زهرا (ع) نیز در سن ۹ سالگی بر سر سفره عقد نشسته بود. لازم است تأکید کنم سید یمانی تاریخ کارت عروسی فاطمه (ع) را هم تصحیح کرده و می‌گوید:

«ازدواج فاطمه (ع) در سن ۹ سالگی نبود.» [۱۳]

شایان ذکر است که سن شهادت ایشان هم در ۱۸ سالگی نبوده است. [۱۴]

شایان ذکر است در منابع مختلف شیعه و اهل سنت نسبت به سن ازدواج حضرت زهرا (ع) اختلاف نظر وجود داشته و این چندگانگی از اختلاف در تاریخ ولادت حضرت (ع) نشئت گرفته است. علمای شیعه سن ازدواج ایشان را بیش از ۱۴ سال نگفته‌اند. [۱۵] برخی ازدواج ایشان را در سن ۱۵ سال ذکر کرده [۱۶] و عده دیگر گفته‌اند: حضرت فاطمه (ع) به هنگام ازدواج ۱۸ سال داشته است [۱۷] (ابن حجر در الإصابة و ابن سعد در طبقات الکبیر نیز همین قول را روایت کرده‌اند).

## کودک همسری در اسلام

اکنون بی‌درنگ به سراغ کلام سید احمد الحسن می‌روم؛ کسی که مرا زنده کرد و از مسیری منتهی به پرتگاه نجاتم داد؛ با دین آشتی‌ام داد. باید زن باشی تا بدانی مسائلی از این دست (کودک همسری و...) تا چه اندازه می‌تواند دیدگاهت را نسبت به دین با خشمی خفته تو آمان کند؛ به خصوص زمانی که داعیه دارانش آن را همچون پتک بر سرت می‌کوبند!

سید احمد الحسن می‌نویسد:

«موضوع جایز بودن ازدواج دختر ۹ ساله در اسلام عبارت است از: بیان حدود وضعیت شرعی، و اگر شرایط حکمرانی برای خلیفه خدا مهیا شود و قانون ازدواج را وضع نماید، این قانونی نیست که (الزاماً) حکومت الهی طبق آن عمل کند.

### منابع:

۱. اعراف، ۱۵۷.
۲. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، خلافت محمد (ص)، ص ۱۵۹.
۳. همان.
۴. ر.ک: سید احمدالحسن، توحید، مبحث «خدا در خلق».
۵. دعای سمات.
۶. رعد، ۴۳.
- ۷.



۸. بخاری، صحیح بخاری، ۲۵۲/۴؛ مسلم، صحیح مسلم، ۱۴۱/۴.
۹. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶.
۱۰. سید احمدالحسن، پیک صفحه، ج ۱.
۱۱. دکتر علاء سالم، دفاع از رسول (ص)، ص ۵۵۳ و ۵۵۴.
۱۲. ر.ک: دکتر علاء سالم، دفاع از رسول (ص)، مبحث «شبهه ۷۱؛ ازدواج رسول خدا (ص) با عایشه در سن کودکی».
۱۳. به نقل از دکتر عبدالعالی منصوری:



۱۴. سید احمدالحسن، صفحه فیس‌بوک، پاسخ به کامنت‌ها، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۷م.
۱۵. ر.ک: امین، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۱۳، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۶. ر.ک: ابن عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۹۳، بیروت، دار الجیل، ط الأولى، ۱۹۹۲/۱۴۱۳.
۱۷. ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۹، دار المعرفة، بیروت، بی تا.
۱۸. سید احمدالحسن، پیک صفحه، ج ۱.
۱۹. بصائر الدرجات (محمد بن حسن صفار)، ص ۵۴۹؛ مختصر بصائر الدرجات (حسن بن سلیمان حلی)، ص ۸۲ و ....

### سخن پایانی

با لباس دین، چه ظلم‌ها که بر دین نکردند! تاجایی که تبر برداشته به سمت ریشه دین هجوم بردند؛ اما از آنجا که خداوند حافظ دین خود در زمانه فتنه‌های سهمگین و فسادها و انحراف‌های چشمگیر در بین امت‌هاست، این بار هم در بزنگاه فرستاده خویش را جهت نجات بندگانش می‌فرستد تا راهنمای کسانی باشد که خواهان هدایت‌اند و دوست دارند سخن خدا را از گویانه خودش بشنوند، نه از بوق دل‌خراش تاجران اجاره‌نشین.

سخنم را با حدیثی از امام صادق علیه السلام به پایان می‌رسانم؛ سخنی که خود گویای همه چیز است: «همانا دین و اصل دین مردی است و این مرد همان یقین است، و او همان ایمان است، و او همان امام امت و اهل زمانش است، پس هرکه او را بشناسد خدا و دینش را شناخته، و هرکه او را انکار کند خدا و دینش را انکار نموده است، و هرکه او را نشناسد - بدون این امام - خداوند و دین و حدود و شرایع او را شناخته است...» [۱۹]

# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،  
سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.